



جلوه اول

نماز در سیره و کلام امام رضا علیه السلام
یعقوب علی برجی

سرشناسنامه: علی برجی، یعقوب، ۱۳۳۷
عنوان و نام پدیدآور: جلوه وصال / نویسنده یعقوب علی برجی: تهیه و تدوین اداره امور فرهنگی
آستان قدس رضوی.

مشخصات نشر: مشهد نشر قدس رضوی ۱۳۸۷

مشخصات ظاهری: ۸۰ ص؛ ۱۷×۱۲ س م.

شابک: ۷-۲۵-۲۷۸۴-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: علی بن موسی(ع)، امام هشتم، ۲۱۵۳-۲۰۳ ق. نظریه درباره نماز
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی، اداره امور فرهنگی .

رده بندی کنگره: ۸ ج ۳۶/ب/۴۷/۳۵ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۷

شماره کتابخانه ملی: ۱۲۲۰۰۲۸



جلوه وصال

نویسنده: یعقوب علی برجی

تهیه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی

طراح گرافیک: رضا باباجانی

صفحه آرای: محمود بازدار

نوبت چاپ: هفتم-۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰

ناشر: انتشارات قدس رضوی

شابک: ۷-۲۵-۲۷۸۴-۹۶۴-۹۷۸

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی

ضلع غربی اداره امور فرهنگی تلفن: ۲۵۶۷-۲۰۰-۰۵۱۱

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۷ / مقدمه

۱۰ / پیشگفتار

۱۵ / گفتار اول / اهتمام به نماز در سیره و کلام امام رضا علیه السلام

۱۹ / کیفیت سستی در نماز

۲۱ / اهتمام به نماز اول وقت

۲۷ / رعایت آداب نماز

۲۷ / آداب باطنی

۳۱ / آداب ظاهری

۳۵ / اهتمام به نماز شب

۳۹ / گفتار دوم / اسرار و حکمت‌های نماز

۴۰ / حکمت‌ها و اسرار مقدمات نماز

۴۰ / طهارت

۴۰ / وضو

۴۱ / غسل

۴۳ / اوقات نماز

۴۶ / حکمت‌ها و اسرار نماز

۴۶ / وجوب نماز

۴۷ / اقرار به ربوبیت

۴۸ / خاکساری و تواضع

۵۰ / دوری از گناه

۵۱ / تعظیم خداوند

۵۳ / یاد خدا

۵۴ / طلب فزونی در دین و دنیا

طلب مغفرت /	۵۶
اجزای نماز /	۵۸
اذان و اقامه /	۵۸
قیام /	۶۲
تکبیر /	۶۲
قرائت /	۶۳
رکوع /	۶۶
سجود /	۶۷
گفتار سوم / نماز جماعت، جمعه و عید	۶۹
نماز جماعت /	۷۰
اسرار نماز جماعت /	۷۰
نماز جمعه /	۷۲
نماز عید /	۷۳
منابع /	۷۷

مقدمه

اهل بیت علیهم السلام گنجوران دانش اند. رودها و جویبارهای دانش که مزرعه ی جان انسان را در چهارده قرن اخیر سیراب و شاداب ساخته است، از بلندای قامت آسمانی این کوه نور، سرچشمه می گیرد. امام عالمان و عارفان علی علیه السلام فرمود: «ینحدر عنّی السیل و لا یرقی الی الطیر» آبادانی و شادابی دیار علم و آگاهی؛ از تلالو فروزنده ی دانش این خاندان است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها».

دانش اهل بیت علیهم السلام از جنس دریافتنی است نه آموختنی، علم حضوری است نه حصولی و این از آن جهت است که آنان حقیقت علم را با جان آسمانی خویش دریافته اند. حضرت علی علیه السلام در وصف عارفان (که خود آن حضرت مولای آنان است) فرمود: «هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره و باشروا روح الیقین».

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سرسلسله ی این خاندان نور و روشنایی، هر چند که خود درس ناخوانده و مکتب نرفته بود، اما پیام و رسالت او، تلاوت و خواندن، آموختن و فرا گرفتن و علم و آگاهی بود. رسالت او با «اقرء» آغاز شد و با دانش و بینش که جان های شیفته را سرشار می کرد، تداوم یافت. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه» .

او با رسالت خویش، جان های مرده را از مرداب روزمرگی و ضلالت ها تا باغستان بهشتی حیات و زندگی، رهنمون شد و انسان اسیر در کژراهه ها و پرت گاه های تباهی را به شاهراه



هدایت و صراط مستقیم فرا خواند و در تن مرده‌ی آدمیت روحی دوباره دمید: «اذا دعاکم لما یحییکم» و بار گران جهل و نادانی را از دوش آنان فرو نهاد «یضع عنهم اصرهم و الاغلال الّتی کانت علیهم».

و خاندان آن حضرت نیز که از چشمه‌ی حیات او سیراب بودند؛ همانند آن بزرگ، خورشید دانش و آگاهی را در گذرگاه اعصار فرا راه جویندگان دانش و بصیرت، تابان و فروزان نگه داشتند و با بهره‌مندی از انوار الهی او، مسیر پویندگان را روشن و جان جویندگان را تابناک و سرشار ساختند.

و امروز در عصر جاهلیت مدرن نیز، آنچه غبار راه انسان کمال جوی را فرو می‌نشانند و راه او را می‌تواند روشن کند بهره‌گیری و بازگشت به سرچشمه‌ی همان دانش و بصیرتی است که پیامبر اعظم و خاندان پاک و مطهر او علیهم‌السلام به انسان هدیه کردند و شاید امروز بیش از هر روز و روزگاری، انسان به آنچه پیامبر رحمت و آگاهی برای بشریت به ارمغان آورده نیازمند و محتاج باشد.

بی تردید کاوش در سرچشمه‌های نور اهل بیت علیهم‌السلام و بازخوانی سیره و آموزه‌های آن بزرگواران در روزگار ما- مانند همه‌ی روزگاران- خدمتی بزرگ به انسانیت است خدمتی که فراتر از آن، خدمتی متصور نیست و از این روی بر تمامی کسانی که دل آنان برای انسان می‌تپد فرض است که با ژرف اندیشی و ژرف کاوی در معارف اهل بیت علیهم‌السلام گوهرهای ناب و آموزه‌های رهایی بخش این گنجینه‌ی عظیم و الهی را استخراج کنند و به بشر تشنه و جگر سوخته‌ی عصر حاضر ارائه نمایند.

بر حسب وظیفه در جوار بارگاه عالم آل محمد علیهم‌السلام برای



تمامی رهروان این راه و تمامی کسانی که در مسیر احیای امر اهل بیت علیهم السلام و تعلیم و تعلم معارف و علوم این خاندان مطهر تلاش و کوشش می کنند به ویژه اساتید بزرگوار و گرانمایه‌ای که در تالیف و تنظیم این مجموعه‌ی ارزشمند نقش داشته اند طلب سلامتی و بهروزی می‌کنیم و توفیق آنان را از درگاه حیّ علیم خواستاریم.

از زایران عزیز نیز می‌خواهیم نعمت بی‌ظنیر زیارت پاره‌ی تن رسول الله صلی الله علیه و آله را با بهره‌گیری از اندیشه، کلام و سیره‌ی آن امام همام به فرصتی برای تامین نیازهای معنوی و فکری خود تبدیل نمایند و با مطالعه‌ی آثار ارزشمندی مانند این مجموعه، توشه‌های سعادت و کمال را برای دنیا و آخرت خود بگیرند و خدمتگزاران خود، در این آستان مقدس را نیز از دعا فراموش نکنند.



پیشگفتار



نماز، حضور در ضیافت معنوی و پر رمز و راز الهی است.^۱ نماز سکوی پرواز به سوی حق و برترین وسیله تقرب به خدا^۲ و نزدیک‌ترین حالات بنده نسبت به پروردگار جهانیان است.^۳ نماز ستون دین^۴، محبوب‌ترین اعمال بندگان در محضر الهی^۵، معراج مؤمنان^۶، نور الهی^۷، زینت اسلام و چراغ قلب مؤمنان است.^۸ نماز کوثری همیشه جاری برای شست‌وشو و طهارت روح^۹، دژ محکم در برابر حملات شیطان^{۱۰} است و انسان را از پلیدی‌ها، منکرات و گناهان باز می‌دارد^{۱۱}، آتش گناهان را خاموش، غم‌ها

۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: أَلَا إِنَّ الصَّلَاةَ مَادِبَةٌ لِلَّهِ فِي الْأَرْضِ قَدْ هُنَّهَا لِأَهْلِ رَحْمَتِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۶.

۲ - سألت أبا عبد الله عليه السلام عن أفضل ما يتقرب به العباد إلى ربه وأحب ذلك إلى الله عز وجل ما هو؟ فقال: ما أعلم شيئاً بعد المعرفة أفضل من هذه الصلاة، ألا ترى أن العبد الصالح عيسى بن مريم عليه السلام قال: وأوصاني بالصلاة والزكاة ما دمت حياً فوسائل الشيعة، ج ۳، ص ۲۵.

۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: أقرب ما يكون العبد إلى الله وهو مساجد. ثواب الاعمال، ص ۶۰.
 ۴ - عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: الصلاة عمود الدين، مثلها كمثل عمود القسطنطين، إذا ثبت العمود ثبت الأوتاد والأطناب، وإذا مال العمود وانكسر لم يثبت وتد ولا طناب. همان، ص ۱۷، ج ۱۲.

۵ - عن ابن مسعود قال: سألت رسول الله ﷺ أي الأعمال أحب إلى الله؟ قال: الصلاة لوقتها، قلت: ثم أي شيء؟ قال: بر الوالدين، قلت: ثم أي شيء؟ قال: الجهاد في سبيل الله. وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۸۲، ج ۱۷.

۶ - الصلاة معراج المؤمن، مستدرک سفینه البحار، ج ۶، ص ۳۳۳.
 ۷ - پیامبر اکرم ﷺ فرمود: الصلاة نور المؤمن، و الصلاة نور من الله. المعجم الكبير، ج ۱۹، ص ۱۰۶.

۸ - پیامبر اکرم ﷺ فرمود: لكل شيء زينة وزينة الإسلام الصلوات الخمس، ولكل شيء ركن وركن المؤمن الصلاة، ولكل شيء سراج وسراج قلب المؤمن الصلوات الخمس

۹ - عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: لو كان على باب دار أحدكم نهر واغتسل في كل يوم منه خمس مرات كان يبقى في جسده من الدرن شيء؟ قلت: لا، قال: فإن مثل الصلاة كمثل النهر الجاري كلما صلى صلاة كفرت ما بينهما من الذنوب. وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۳۰۷.

۱۰ - حضرت علی عليه السلام فرمود: الصلوة حصن من سطوات الشيطان. غرر الحکم، ص ۵۹.

۱۱ - «أن الصلاة تنهى عن الفحشا والمنکر» سورة عنکبوت (۲۹) آیه ۴۵.



و غصه‌ها را برطرف می‌سازد^۱. نماز همچون سری برای پیکر زیبایی دین است^۲. موجب نازل شدن رحمت‌های بی‌کران الهی بر بندگان است^۳. در دادگاه عدل الهی نخستین سؤال از نماز خواهد بود^۴، اگر نماز بنده پاکیزه و مقبول باشد اعمال دیگرش نیز مقبول خواهد بود^۵. مواظبت بر نماز باعث نور و حجت و نجات از آتش می‌گردد^۶، نور چشم پیامبر ﷺ و وسیله‌ای برای زنده نگهداشتن یاد خداست^۷. در انتظار نماز به سر بردن، گنجی از گنج‌های پر بهای بهشت است^۸ و به هنگام فرا رسیدن وقت نماز درهای آسمان به روی بندگان باز می‌شود^۹. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: نماز از آیین‌های دین است؛ در آن خشنودی پروردگار عزوجل

۱ - پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ما من صلاة يحضر وقتها إلا نادى ملك بين يدي الناس، أيها الناس قوموا إلى نيرانكم التي أو قدتموها على ظهوركم فاطفئوها بصلواتكم. بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۰۹.

۲ - پیامبر اکرم ﷺ فرمود: إنما موضع الصلاة من الدين كموضع الرأس من الجسد. الفردوس، ج ۴، ص ۱۵۷.

۳ - حضرت علی علیه السلام فرمود: الصلوة تنزل الرحمة. غررالحکم، ص ۵۲.

۴ - قال: و قال الصادق عليه السلام: أول ما يحاسب به العبد الصلاة، فإن قبلت قبل سائر عمله، و إذا ردّت ردّ عليه سائر عمله. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲، ح ۱۰.

۵ - عن علی عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: إن عمود الدين الصلاة و هي أول ما ينظر فيه من عمل ابن آدم فإن صحّت نظر في عمله و إن لم تضح ينظر في بقية عمله. همان، ص ۱۳.

۶ - پیامبر اکرم ﷺ فرمود: خمس صلوات من حافظ عليهنّ كانت له نورا و برهانا و نجات يوم القيامة. كنز العمال، ج ۷، حدیث ۱۸۸۶۲.

۷ - جعلت قرة عيني في الصلاة، زاد المعاد في هدى خير العباد، ج ۱، باب الصلاة.

۸ - پیامبر اکرم ﷺ فرمود: إنما فرضت الصلاة... لإقامة ذكر الله. احیاء علوم دین، ج ۱، ص ۲۸۸.

۹ - عن علی عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: انتظار الصلاة بعد الصلاة كنز من كنوز الجنة. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۵، ح ۶.

۱۰ - عن محمد بن مسلم، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إذا دخل وقت صلاة فتحت أبواب السماء لصعود الاعمال، فما أحب أن يصعد أول من عملي، و لا يكتب في الصحيفة أحد أول مني. همان، ج ۳، ص ۸۷، ح ۲.



و راه روشن پیامبر ﷺ است و نمازگزار، محبت فرشتگان را با خود دارد. نماز، هدایت و ایمان، نور معرفت، برکت در روزی، آسایش تن، ناپسندی برای شیطان، پذیرش دعا و قبولی اعمال را به ارمغان می‌آورد. نماز، توشه‌ی مومن از دنیا به سوی آخرت، شفیع میان او و فرشته‌ی مرگ، انیس او در گور، فرش زیرش و پاسخ منکر و نکیر است. و نماز بنده هنگام محشر، تاجی بر سر اوست و نوری بر چهره‌اش، پوشش کالبدش، پرده‌ای میان او و آتش، حاجتی میان او و پروردگار بزرگ و با عظمتش، نجات تنش از آتش، برگه عبور از صراط، کلیدی برای بهشت، مهریه‌ی حورالعین و بهای بهشت است. بنده با نماز در فراز می‌آید، زیرا نماز تسبیح و تهلیل (لا اله الا الله گفتن) و سپاس و بزرگداشت و مدح و تنزیه و سخن گفتن (با خدا) و دعاست.^۱

(برای نمازگزار) سه ویژگی است: رحمت الهی او را از کف پایش تا کرانه‌ی آسمان در بر می‌گیرد و فرشتگان از روی سرش تا کرانه‌های آسمان گرداگرد او را می‌گیرند و فریاد کننده‌ای ندا در می‌دهد: اگر مناجات کننده می‌دانست با که مناجات می‌کند، باز نمی‌گشت.^۲

ترک نماز، خدا را خشمگین^۳ و اعمال را تباه می‌سازد.^۴ کسانی که به عمد نماز را ترک کنند، از دین بهره‌ای ندارند^۵ و آنان که نماز را سبک بشمارند، شیطان بر آنان چیره می‌شود و به گناهان

۱ - خصال، ص ۵۲۲.

۲ - ثواب الاعمال، ص ۵۷.

۳ - پیامبر اکرم^ص فرمود: من ترک صلاة لقی الله و هو علیه غضبان. المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۲۳۴.

۴ - پیامبر اکرم^ص فرمود: من ترک الصلاة معتمداً أحبط الله عمله. مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۱۲.

۵ - پیامبر خدا^ص فرمود: من ترک الصلاة متعمداً فقد کفر جهاراً. عوالی اللالی، ج ۲، ص ۲۲۴.



بزرگ گرفتارشان می‌سازد.
و ما در این اثر چگونگی حضور در این ضیافت باشکوه را در
تابلوی زیبای سیره و کلام عالم آل محمد امام رئوف حضرت
رضا علیه السلام به نمایش گذاشته‌ایم و ارادتمندان به آن حضرت را به
تماشای این تابلو زیبا دعوت می‌کنیم.





گفتار اول

اهتمام به نماز در سیره و کلام امام رضا علیه السلام

فرصت وصال و نیایش و خلوت با محبوب برای محب و عاشق، بسیار مغتنم و لذت بخش است. و نماز یکی از این فرصت‌های طلایی برای وصال و نیایش با محبوب حقیقی و مطلق هستی است. لذا عاشقان دلباخته‌ی الهی به خلوت و نیایش با محبوب اهتمام می‌ورزند و از لحظه لحظه‌های زندگی برای خلوت و نیایش با محبوب و کسب رضایت الهی و انجام وظیفه بهره می‌برند. امام نیایش‌گران و نمازگزاران، هشتمین اختر تابناک هدایت، الگوی کاملی در بهره‌برداری از فرصت‌ها برای نیایش با محبوب حقیقی و مطلق هستی است.

رجاء ابن ابی ضحاک که مدتی محافظ و مواظب حضرت رضا علیه السلام بود و در طول سفر از مدینه تا مرو در رکاب حضرت بود، گزارش مفصلی از برنامه عبادی و نمازهای آن عاشق دلباخته الهی ارائه داده است.

رجاء ابن ضحاک می‌گوید:

«به خدا سوگند، من مردی باتقواتر از او ندیدم، کسی را ندیدم که در تمام اوقاتش بیشتر از او به یاد خدا باشد و خوفش از خدا از او شدیدتر باشد.

همین که فجر طلوع می‌کرد، نماز صبح را می‌خواند پس از آن مشغول دعا (تسبیح، تحمید، تکبیر، تهلیل...) بود تا طلوع آفتاب، پس از طلوع آفتاب سجده طولانی می‌کرد، پس از آن مشغول حدیث و موعظه مردم می‌شد تا نزدیک ظهر؛ نزدیک ظهر تجدید وضو کرده و به مصالایش می‌رفت، پس از اذان ابتدا هشت رکعت نافله ظهر می‌خواند، سپس اذان و اقامه می‌گفت و مشغول نماز ظهر می‌شد.



بعد از نماز ظهر مشغول دعا می‌شد و در پایان سر به سجده می‌گذاشت و صد مرتبه «شکراً لله» می‌گفت. پس از آن، نافله‌ی عصر می‌خواند و اذان و اقامه می‌گفت و نماز عصر می‌خواند. سپس مدت مدیدی تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل می‌گفت و در پایان سر به سجده می‌گذاشت و صد مرتبه «حمداً لله» می‌گفت. وقتی مغرب فرا می‌رسید وضو می‌گرفت و اذان و اقامه می‌گفت و نماز مغرب می‌خواند. بعد از نماز مدتی دعا می‌کرد، سپس چهار رکعت نافله‌ی مغرب می‌خواند. به هنگام نماز عشاء، نماز و نافله‌اش را می‌خواند و به بستر می‌رفت. یک ثلث از شب گذشته از بستر بلند می‌شد، در حالی که زبانش به تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل و استغفار گویا بود. مسواک می‌زد، وضو می‌ساخت و به نماز شب مشغول می‌شد. در هر رکعت، حمد یک بار و «قل هو الله احد» را سی مرتبه می‌خواند. بعد از آن نماز جعفر طیار را می‌خواند، وقتی فجر فرا می‌رسید نماز نافله‌ی فجر را خوانده، پس از آن نماز صبح را می‌خواند...»^۱

امام نیایش‌گران و نمازگزاران، هشتمین اختر تابناک هدایت درباره اهمیت نماز فرمود:

«بدان که افضل واجبات بعد از معرفت خدای - عزوجل - نماز های پنجگانه است.»^۲

«به وقت قیامت بنده را به دادگاه الهی طلب می‌کنند و اول چیزی که از او می‌پرسند، درباره نماز است؛ پس اگر نماز را تمام و جامع و کامل ارائه داد، اهل نجات است و گرنه با خشم به

۱ - بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۴۹، ص ۹۱ تا ۹۵.

۲ - «اعلم ان افضل الفرائض بعد معرفة الله - عزوجل - الصلاة الخمس» مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۵.



دوزخ انداخته می شود.^۱

«نماز، مطالبه وصال و تقرب بنده به سوی خداوند است»^۲

اباصلت هروی گوید:

به «سرخس» مسافرت کردم و در آنجا در جلو زندان امام رضا علیه السلام رفتم تا اجازه بگیرم و به حضور آن حضرت برسم و احوال پرسى کنم. زندانبانها به من اجازه ندادند و گفتن: «هیچ راهی نیست» گفتم: چرا؟

گفتند: زیرا امام رضا علیه السلام در بسیاری از اوقات شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند و فقط ساعتی در اول روز و قبل از ظهر و هنگام غروب در محل نمازش می نشیند و با خدا مناجات می کند. گفتم: در همین موقع برای من اجازه بگیرید، اجازه گرفتند. خدمت آن حضرت رسیدم، دیدم در محراب خود نشسته و در اندیشه است...^۳

در زیارت نامه آن حضرت می خوانیم:

«شهد انک قد اقمت الصلوة و آتیت الزکاة و أمرت بالمعروف

و نهیت عن المنکر و عبدت الله حتى أتاک الیقین.»^۴

«گواهی می دهم که تو نماز را اقامه کرده، زکات داده ای، امر به معروف و نهی از منکر کردی، و خدا را عبادت کردی تا به مقام یقین رسیدی.»



۱ - «اذا كان يوم القيامة يدعى بالعبد فأول شيء سئل عنه الصلاة فإذا جاء بها تامّة و آلا زخ في التار» وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۱۹؛ المحجّه البيضاء، ج ۱، ص ۳۳۹.
۲ - «الصلاة طلب الوصال ال الله من العبد» بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۶۴.
۳ - بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۵۹؛ داستانهای و حکایت های نماز، ص ۳۱.
۴ - مفاتیح الجنان، ص ۹۱۴.

کیفر سستی در نماز

امام رضا علیه السلام فرموده است:

«تا وقتی که مؤمن نمازهای پنجگانه خود را به موقع و با شرایط به جا آورد، شیطان پیوسته از او ترسان و هراسان است، ولی هرگاه وی نماز خود را ضایع کند، شیطان بر او غالب می‌شود، و او را وارد گناهان بزرگ می‌نماید.»^۱

امام رضا علیه السلام از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

«نمازهای خود را ضایع نکنید، زیرا هر که نماز را ضایع کند با «قارون» و «هامون» محشور می‌گردد... پس وای بر کسی که بر نمازهای واجب خود و انجام سنت پیامبر صلی الله علیه و آله مراقبت ننماید.»^۲

امام رضا علیه السلام فرمود:

«بپرهیزید از این که در نماز سستی و تنبلی کنید یا در حق آن کوتاهی کنید، یا حد و حدودش را ضایع کنید، یا رکوع و سجده نماز را آن چنان از روی شتاب به جا آورید که گویی همچون خروس منقار می‌زنید، یا این که نماز را سبک بشمارید، یا این که به جای نماز به امور دنیایی سرگرم شوید، یا نماز را در وقت خود به جا نیاورید.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر که نمازش را سبک بشمارد، با من پیوند و وابستگی معنوی ندارد.»^۳ سوگند به خدا، بر حوض کوثر در جوار من وارد

۱ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۱.

۲ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۱؛ مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۵۶.

۳ - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۵، ح ۲۹۲۵ - ۴.



نخواهد شد.»

امام رضا علیه السلام فرمود:

«هرگاه روز قیامت فرا رسد، بنده را می‌خوانند، پس اولین موضوعی که از او سؤال می‌شود، نماز است. اگر حدود و شرایط نماز را به طور کامل به جا آورده باشد، نجات می‌یابد، اگر نمازش را با شرایط و آداب صحت یا قبولی آن به جا نیاورده باشد، او را به آتش می‌افکنند.»^۱

«به درستی که نماز بهترین عبادت خداست. نماز بهترین صورتی است که خدا خلق کرده است. پس کسی که نماز کامل ادا کند، در حقیقت حق واجبش را ادا کرده است و هر کس که نماز را سبک بشمارد، به صورتش زده می‌شود (به او برگردانده می‌شود)»^۲



۱ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۹.
۲ - جامع احادیث الشیعه، ج ۴، ص ۵.

اهتمام به نماز اول وقت

در خانه‌ی محبوب، اگرچه همیشه به روی بندگان و محبانش باز است اما محبوب مهربان هستی، اوقاتی از شبانه روز را برای نیایش و خلوت بندگان اختصاص داده و از بندگان برای حضور در ضیافت باشکوه نیایش، دعوت رسمی به عمل آورده است. در این اوقات درهای بیکران رحمتش را به روی بندگان باز کرده و نیایش و نماز را برترین وسیله تقرب بندگان قرار داده است. عاشقان کوی دوست و سالکان طریق کمال در انتظار رسیدن آن اوقات نورانی لحظه شماری می‌کنند و به هنگام فرا رسیدن آن اوقات شریف لبیک به دعوت محبوب را بر هر کاری مقدم می‌دارند. اهتمام به نماز اول وقت در سیره‌ی امام سالکان کوی دوست جلوه چشم‌گیری دارد، پیروان آن حضرت سیره‌ی امام خویش را نصب العین قرار می‌دهند و به پیروی از امامشان فرصت نماز اول وقت را هرگز از دست نمی‌دهند. اینک چند نمونه از سیره‌ی آن حضرت در توجه و اهتمام به نماز اول وقت را با هم مرور می‌کنیم.



ابراهیم بن موسی فزاز گوید:

«روزی در خراسان در مسجد، در خدمت امام رضا علیه السلام بودم، بر چیزی که از آن حضرت می‌خواستم، اصرار کردم. در این هنگام امام برای پیشواز یکی از جماعت طالبین بیرون رفت. راه وقت نماز شده و امام به جانب ساختمانی که در آن جا بود روی آورد و در زیر صخره‌ای که در نزدیکی آن ساختمان بود،

فرود آمد. تنها من در خدمت حضرت بودم. حضرت فرمود: اذان بگو. عرض کردم: منتظر باشید تا اصحاب به ما بییوندند. امام فرمود: «غفر الله لك! لانوخرن صلوة عن اول وقتها الى آخر وقتها من غير علة» عليك ابدأ باول الوقت» خداوند، تو را بیامرزد! هرگز نماز را از اول وقت آن، بدون علت به تأخیر نمی‌اندازیم، همواره مراقب اول وقت باش.» پس اذان گفتم و نماز خواندیم. پس از نماز، دوباره آن را که از حضرت خواستم، یادآور شدم. در آن هنگام امام با تازیانه‌ای خاک‌ها را کمی کنار زد، ناگاه از زیر خاک‌ها سکه‌ای از طلای ناب پدیدار گشت، امام علیه السلام آن را برداشت و فرمود: این سکه طلا را بگیر، خداوند برای تو در آن برکت قرار دهد و از آن سود ببری و آنچه را دیدی پنهان کن.»
ابراهیم گوید:



«خداوند برای من از آن سکه برکت فراوان قرار داد، آن چنان که در خراسان لوازم زیادی خریدم که قیمت آن‌ها به هفتاد هزار دینار طلا می‌رسید، و من از همه‌ی همگان خود توانگرتر و ثروتمندتر شدم.»^۱

رویداد دیگری در زندگی آن امام بزرگ به ثبت رسیده است که اهمیت بسیار بالا و حیاتی نماز اول وقت را روشن می‌سازد. در آن روزها که مأمون جلسه گفت‌وگو و مناظره تشکیل داده بود و امام علیه السلام را با عالمان بزرگ ادیان و مذاهب و مکاتب فلسفی به بحث واداشته بود و امام با عالمان مسیحی و متکلمان و فلسفه‌دانان به گفت‌وگو می‌پرداخت، در یکی از این مناظرات،

۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۹۹؛ منتهی الآمال، ج ۳، ص ۱۷۰۱.

عمران صابی که از عالمان بزرگ و متکلمان به نام زمان بود، چنین گفت:

«ای عالم و دانای مردم! اگر چنین نبود که تو همگان را به پرسش و سؤال فراخواندی، من هرگز از تو پرسشی نمی‌کردم، من به کوفه و بصره و شام و جزیره العرب رفته‌ام، و با متکلمان و سخنوران و دانایان زمانه دیدار داشته‌ام و هنوز کسی را ندیده‌ام که به سؤالاتم پاسخ قانع کننده بدهد. حال اجازه می‌دهی که از تو سؤال کنم؟»

حضرت فرمود:

«اگر در این جماعت کسی عمران صابی باشد، تو هستی؟»

عرض کرد: «آری، من عمران صابی‌ام.»

حضرت فرمود: «پرس ای عمران، ولی باانصاف باش و از

سخن سست و بی‌دلیل و ناحق دوری جوی.»

گفت: «ای سید و آقای من! به خدا سوگند، چیزی جز آن نخواهم که برای من امری را ثابت کنی و من به آن بگروم و از آن در نگذرم.»

آن‌گاه عمران صابی سؤالاتش را پرسید و امام رضا علیه‌السلام به تمامی آنان پاسخ فرمود.^۱ در میانه‌ی گفت‌وگو با عمران صابی، وقت نماز فرا رسید، امام رو به مأمون کرد و فرمود: «هنگام نماز است.»

عمران عرض کرد: «سرور من، بحث مرا قطع مکن، چرا که دل من آماده‌ی پذیرش سخنانت شده است.»

حضرت فرمود: «نماز می‌گزاریم و به گفت‌وگو باز می‌گردیم.»



۱ - آوردن تمامی این پرسشها و پاسخها از فراخور این نوشته بیرون است و به کتاب مناظرات امام رضا علیه‌السلام رجوع کنید.

پس امام و مأمون از جای برخاستند. نماز که به پایان رسید، امام به مجلس بازگشتند و عمران صابی را خواستند و فرمودند: «بپرس، ای عمران!» و باز همچنان عمران پرسش‌هایش را مطرح می‌کرد و امام پاسخ می‌داد و پس از پاسخ می‌فرمود (پاسخ سؤالت را) دریافتی؟ او پاسخ می‌گفت: «آری ای مولای من!» خوب فهمیدم. در پایان گفت‌وگو که به طول انجامید، عمران صابی به راه راست هدایت شد و شهادتین گفت و رو به قبله به سجده افتاد و اسلام آورد و...^۱

حضرت امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه شریفه‌ی: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»؛ «مؤمنان کسانی هستند که بر نمازهای‌شان محافظت می‌کنند» فرموده است: «مراد خداوند متعال مواظبت بر اوقات نماز است.»

همچنین فرمودند:

«اوقات نماز را محافظت کنید (سعی کنید نماز را در اوقات مخصوص آن به جا آورید) زیرا هیچ بنده‌ای از آفت حوادث در امان نیست. کسی که وقت واجب نماز او فرا رسد، و از روی عمد از آن کوتاهی کند، (در وقت خود به جای نیارد) خطاکار است.»^۳

خداوند در قرآن این گروه را مذمت کرده و فرموده است:

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۴

۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۹۹؛ منتهی الامال، ج ۳، ص ۱۷۰.

۲ - سوره مؤمنون (۲۳) آیه ۹.

۳ - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۶، ح ۳۱۰۷.

۴ - سوره ماعون (۱۰۷) آیه ۴ - ۵.



«وای بر آن دسته از نمازگزارانی که از نماز خود غافل‌اند.»

و نیز فرمود:

«مراد از ساهون در این آیه آن‌هایی هستند که غافل از اوقات

نمازهای واجب خود هستند.»^۱

روشن است که شیطان همواره در کمین انسان نشسته است و از هر فرصتی استفاده می‌کند تا با نیرنگ‌ها و وسوسه‌های خود، آدمی را از مسیر درست و از رسیدن به کمال و تعالی بازدارد و او را با خود همراه سازد. شیطان بیشتر هم و غم خود را، معطوف نماز می‌کند و می‌داند که اگر بندگان به نماز اهمیت دهند، هیچ مجالی برای جولان و یکه‌تازی او وجود نخواهد داشت.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«شیطان پیوسته از شخص مؤمن در وحشت و گریزان است، تا وقتی که بر نمازهای پنجگانه مراقبت و محافظت دارد. هنگامی که [با تأخیر از اول وقت و بی‌اعتنایی] آن‌ها را ضایع ساخت، شیطان بر او جرأت یافته و او را به ورطه‌ی گناهان بزرگ می‌اندازد.»^۲

به همین دلیل است که امام معصوم علیه السلام می‌فرماید: «امتحنوا شیعتنا عند مواقیت الصلاة کیف محافظتهم علیها؛ شیعیان ما را در اوقات نماز، آزمایش کنید که چگونه بر خواندن نماز در موعد مقرر محافظت می‌کنند.»^۳

امام رضا علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود:

«ای فلانی! زمانی که وقت نماز فرا رسد، بر تو لازم است نماز را در اول وقت به جای آوری، زیرا تو نمی‌دانی بعداً چه پیش

۱ - بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۲۰.

۲ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷.

۳ - سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴.



خواهد آمد.»^۱

و نیز فرمود:

«برای هر نمازی سه وقت است: اول وقت، وسط وقت، آخر وقت. به جا آوردن نماز در اوّل وقت موجب خشنودی خدا، و در وسط آن عفو پروردگار، و در آخر وقت غفران و آمرزش الهی است و بهترین اوقات، اول وقت است و کسی حق ندارد آخر وقت را برای نماز انتخاب کند. همانا نماز آخر وقت برای کسی مجاز است که بیماری یا عذری داشته باشد، یا این که مسافر باشد.»^۲

نماز اول وقت افزون بر ثواب و اجری که دارد آثار و برکات متعددی به دنبال دارد، اما نماز در وسط وقت تنها ثواب داشته و آن برکات را در پی نخواهد داشت. هرگاه انسان نماز را در آخر وقت بخواند، از ثواب آن نیز کم خواهد شد.



۱ - وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۸۷.

۲ - مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸۵؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۳۵۰.

رعایت آداب نماز

هر ضیافتی آدابی دارد و برای بهره‌مندی بیشتر و بهتر از آن ضیافت باید آداب ضیافت را رعایت کرد. به راستی ضیافت باشکوه و پر رمز و راز نماز دارای چه آدابی است؟ اینک از زبان مخزن اسرار الهی، امام رضا علیه السلام که معرفت کاملی نسبت به این ضیافت و آداب آن دارد، آداب نماز را بهره‌مند می‌شویم:

«ادب نماز این است که آن را با حضور قلب و فراغت اعضا و جوارح از هر کاری، به جای آوری و با ذلت در مقابل خداوند بایستی و بهشت را در طرف راست خود ببینی و آتش را در طرف چپ و صراط را پیش رو و خداوند را در مقابل.»^۱

از فرمایشات دُرربار رضوی استفاده می‌شود که نماز آدابی باطنی و ظاهری دارد، وقتی شرایط و آداب باطنی رعایت شود بر ظاهر نمازگزار تأثیر گذاشته و آداب ظاهری نیز رعایت می‌شود.

الف) آداب باطنی

مقصود از آداب باطنی آن دسته از آدابی است که مربوط به قلب و باطن انسان‌هاست.

۱ - حضور قلب

در تعریف حضور قلب آمده است:

«مقصود از حضور قلب، این است که در هنگام نماز، نزد نماز باشد، نه مشغول به امر دیگری که او را از نماز، غافل می‌کند و



همین مقدار که نمازگزار قلبش، متوجه ظاهر و احوال و اقوال نماز باشد، در تحقیق حضور قلب، کافی است.^۱

نمازگزار، بایستی همواره خود را در محضر خداوند متعال مشاهده کند (بین یدی الله تبارک و تعالی) و از پریشانی حواس و افکار غیرالهی پرهیزد. نمازگزار، باید حریم اوامر الهی را بسیار بزرگ بشمارد و از عظمت پروردگار خویش خائف بوده و به رحمت و واسعهی پروردگار امید داشته باشد. او هنگامی که برای نماز ایستاده و به محل سجده چشم دوخته است، باید در ذهن خود مجسم کند که در برابر خدای قادر متعال ایستاده که او را می بیند و به آن چه در اعماق دلش می گذرد، آگاه است.

حضرت امام رضا علیه السلام در فرازهای سخنانش توجه به این چند نکته را در امر حضور قلب برای هر نمازگزاری ضروری دانسته اند: نماز را با حضور قلب و فراغت اعضا و جوارح از هر کاری به جای آورد.

با ذلت در برابر خداوند بایستد.

بهشت را در طرف راست خود ببیند.

آتش دوزخ را در طرف چپ خود ببیند.

صراط را در پیش روی خود قرار دهد.

خداوند را در مقابل خود مشاهده کند.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده است: «عبادت کن خدای تعالی را، چنان که گویا او را می بینی و اگر او را نمی بینی، او تو را می بیند.»^۲

همچنین نمازگزار باید متوجه باشد که توجه به خدا، منحصرأ



۱ - اسرار الصلاة، ملکی تبریزی، ص ۱۸۶.

۲ - آداب الصلاة، ص ۴۵.

باید با قلب او باشد و درونش متوجه حضرت احدیت باشد؛ اما سر و صورت او آینه دل و تابع و پیرو آن است و توجه سر و صورت، به تنهایی ارزش ندارد.

بنده‌ای که دامن خدمت به کمر بسته است در برابر سید و مولای خود ایستاده است، چگونه ممکن است از او روی برتابد و افکارش را در غیر آنچه مولا می‌خواهد به کار اندازد؟ بی‌گمان چنین کاری، موجب محرومیت او از توفیق بندگی خواهد بود؛ کجا رسد که آن مولی خدای قادر متعال باشد که او را آفریده و همه مقدراتش را تقدیر نموده است.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل فرموده‌اند: «مردی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بود به نام «قیس»، هنگامی که مشغول نماز شد، در رکعت اول مار سیاهی آمد و در موضع سجده قیس قرار گرفت، او با بی‌توجهی کامل به رکوع و سجده رفت، وقتی پیشانی برداشت، مار به گردن او پیچید، سپس وارد پیراهن او شد؛ ولی او به نمازش ادامه داد و از مار هم آسیبی به او نرسید.»^۱ سپس حضرت رضا علیه السلام قضیه‌ای را که برای خودشان رخ داده بود، نقل کرده و فرمود: «من روزی در فرع بودم (زمینی واقع در مابین مکه و مدینه) وقت نماز فرا رسید، پس پیاده شدم و به سوی بوته‌ی ثمامه رفتم (در بیابان عربستان گاهی بوته‌هایی که به قد یک درخت وجود دارد که از سایه‌شان به خوبی می‌توان



۱ - «ان رجلاً من اصحاب علی علیه السلام یقال له قیس کان یصلی، فلما صلی رکعة اقبل اسود، فصار فی موضع السجود فلما نحی جبینة عن موضعه، تطلوq الاسود فی عنقه ثم انساب فی قمیصه.» بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۶۴. روشن است که این حکم اختصاص به آن دسته از انسان‌هایی دارد که دارای مقام‌های بلند معنوی هستند اما انسان‌های عادی اجازه دارند در صورت بروز خطر جدی برای حفظ جان‌شان نماز را به هم بزنند و از جان خود دفاع بکنند.

استفاده کرد). همین که به نماز ایستادم و رکعتی خواندم، یک افعی نزدیک من آمد و کنارم قرار گرفت و من متوجه نماز شدم و از آن نکاستم و کم نکردم. افعی به من نزدیک شد و سپس به طرف بوته برگشت. وقتی از نماز فارغ شدم، در حالی که دعا و تعقیباتم را نیز تخفیف نداده بودم، بعضی از یارانم را که همراهم بودند، فراخواندم و گفتم: پشت سر شما زیر بوته افعی است.» پس او را کشتند. آنگاه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «هرکس از غیر خدا نترسد خداوند او را کفایت می‌نماید.»^۱

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است: «همانا نماز بهترین شیوه بندگی خداست و آن زیباترین شکلی است که خداوند آن را آفریده؛ پس کسی که به طور کامل و تمام آن را به جا آورد، حق واجب آن را ادا کرده است و کسی که در انجام آن کوتاهی کند، خدا آن را به صورتش می‌زند.»^۲



۲ - خشوع و خضوع

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «بر تو باد در نماز به خشوع و خضوع و این که در پیشگاه خداوند، چنان خاشع و خاضع باشی که خشیت و خوف از سیمای تو ظاهر گردد.»^۳

خداوند متعال فرموده است: «به راستی مؤمنان رستگار شدند؛ آنان که در نمازهایشان خشوع کنندگان‌اند.»^۴

۱ - بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۷.

۲ - «أَنَّ الصَّلَاةَ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ لِلَّهِ وَ هِيَ أَحْسَنُ صُورَةِ خَلْقِهَا لِلَّهِ، فَمَنْ آذَاهَا بِكَمَالِهَا وَ تَمَامِهَا فَقَدْ آذَى وَاجِبَ حَقِّهَا وَ مِنْ تَهَاوُنٍ فِيهَا ضَرْبٌ بِهَا وَجْهٌ.» بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۶.

۳ - «عَلَيْكَ بِالْخُشُوعِ وَ الْخُضُوعِ مُتَوَاضِعاً بِهٖ عَزَّوَجَلَّ، مُتَخَاشِعاً عَلَيْكَ خَشْيَةً وَ سِيْمَاءَ الْخَوْفِ» آداب الصلاة، ص ۱۶۲.

۴ - «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» مؤمنون (۲۳)، آیه ۲۰.

بنده‌ای که برای خدمت و عبادت در پیشگاه خدای متعال می‌ایستد، موظف است که با قلب و تمام جوارح و اعضاء اظهار عبودیت و بندگی کند. نمازگزار باید با طمأنینه و آرامش و هیبت و حیاء نماز بخواند و سر خود را پایین بیندازد و به موضع سجده بنگرد و گردن و پشت خود را راست نگه دارد و دست‌های خود را بر روی ران‌ها بگذارد، بدون این که با دست‌هایش بازی کند. کمال قلب در هنگام نماز به این است که این سخن خدای - تبارک و تعالی - را پیوسته در نظر داشته باشد که می‌فرماید: «هنگامی که بر پای می‌ایستی، در منظر پروردگارت هستی و او تو را می‌بیند.»^۱

ب) آداب ظاهری

امام رضا علیه السلام در سخنان گهربار خود بیان فرموده‌اند:

«هرگاه خواستی نماز را به پای داری، پس با بی‌رغبتی و کسالت، خواب آلودگی، عجله و شتاب، بازی و سرگرمی به چیزی، به نماز مشغول نشو، بلکه نمازی به جای آور که سکون و حضور قلب و آرامش و تأنی در آن باشد. بر تو لازم است در نماز خاشع و خاضع باشی، و در پیشگاه خداوند جهان خود را خوار و ذلیل بدانی به طوری که خشیت و خوف از سیمای تو ظاهر شود، و به وسیله آرامش و بر اثر فراوانی ترس و ورعی که بر دلت عارض شده است، دو حالت «ترس» و «امید» در تو آشکار شود. پس در این حالت مقابل پروردگارت همچون بنده‌ی فراری گناهکار، که در مقابل مولایش قرار گرفته، بایست و قدم‌هایت را منظم کن، و خداوند را ناظر بدان زیرا اگر تو خدا را نمی‌بینی،



او تو را می‌بیند. با ریش و سایر اعضا و جوارحت بازی نکن، انگشتانت را به صدا در نیاور، بدنت را خارش مده، با بینی ات بازی مکن، با لباس هم بازی مکن، لثام زده نماز نخوان (مبادا چیزی در دهانت باشد که مانع اظهار صحیح کلمات یا مخارج حروف باشد) و برای زنان نیز روا نیست که با نقاب و روبند نماز بخوانند. هنگامی که در نماز ایستاده‌ای، چشمت را به موضع سجده بیفکن و در هنگام نماز از خودت جزع و ترس ظاهر کن و با دارا بودن این حالات ویژه، نشان بده که تو راغب به خدا هستی و به وی عشق می‌ورزی، در حال قیام گاهی به این پا، و گاهی به آن پایت تکیه مکن. همچون کسی که می‌خواهد با نماز وداع کند، نماز بگزار، طوری که دیگر موفق به ادای آن نمی‌شوی. بدان به یقین تو در برابر خداوند جبار هستی. بنابراین، به چیزی از اشیاء مشغول مشو و حدیث نفس مکن (چیزی غیر از یاد خدا را در درونت راه مده) و دلت را از همه چیز غیر از یاد خدا و عبادت او فارغ کن. و باید که فقط به کار نماز پردازی و حق آن را کاملاً ادا نمایی.



در حال نماز، به هنگام قیام دست‌هایت را روی ران‌هایت قرار ده، و در افتتاح نمازت تکبیر بگو و دست‌هایت را تا نرمی گوش بلند کن، به طوری که انگشت‌های ابهامت از گوش مقابل آن تجاوز نکند، و در قنوت نماز واجب دست‌هایت از سر تجاوز نکند. اما در نماز نافله و وتر مانعی نیست که دست‌ها از سر تجاوز کند.

هرگاه به رکوع رفتی، پس دست‌هایت را بر زانوهایت بگذار و انگشتانت را بگشا و دست‌هایت را جمع کن و از محاذی زانوها

و پاها خارج مکن و هنگام برخاستن از رکوع به تمام قامت بایست تا آن که مفاصلت کاملاً به مکان اصلی خود برگردد، و عروق و رگها جابه‌جا شود و سپس در سجده، پیشانیت و کف را بر زمین بگذار، و انگشتان دست‌هایت را هنگام سجده ببند، و به طرف قبله قرار ده و هرگاه نشستی، پس به قسمت راست بدن نشین، بلکه طرف راست را بلند کن و بر طرف چپ بگذار و بر پهلوی خود بنشین و دست روی دست مگذار، بلکه دست‌هایت را آزاد کن و مستقیم بر ران‌ها بگذار، زیرا دست روی دست گذاشتن، عمل اهل کتاب است.

در هنگام نماز خمیازه مکش، و دست و پا دراز مکن و آروغ نزن؛ و هرگاه این دو بر تو فشار آوردند، با سعی و کوشش از بروز آن جلوگیری کن و هرگاه عطسه کردی، پس «الحمد لله» بگو، و در موضع سجده‌ات حرکت نکن، و به جلو و عقب نرو، بلکه ثابت و بی حرکت باش ...

هرگاه به نماز ایستادی، با تمام توجه قلبی و درونی به خداوند روی آور، تا خداوند نیز به تو روی آورد، و برای نماز، وضوی شاداب و کامل بساز. و هرگاه خواستی سجده کنی پیشانیت را بر خاک بگذار. هرگاه به نمازت روی آوردی، و با توجه و حضور کامل قلبی به نماز ایستادی، و آداب و شرایط نماز را حفظ کردی و با همه وجودت به سوی خدا رفتی، او نیز با همه رحمت و مغفرت و عنایتش به تو روی خواهد آورد. هرگاه از خدا روی گردان شوی، خداوند نیز از تو روی گردان شود، و تو را به حال خود رها خواهد کرد^۱



از امام هشتم علیه السلام درباره کیفیت نماز کامل سؤال شد، حضرت فرمود:

«نماز کامل [که نمازگزار را از آفت فحشا و منکر بازدارد] نمازی است که دارای شرایط زیر باشد: ۱ - حضور قلب ۲ - فراغت جوارح و اعضا از هر چیز (غیر از یاد خدا) ۳ - با کمال ذلت و خاکساری در برابر خدا ایستادن ۴ - رسیدن به مرتبه یقین؛ که نمازگزار فرض کند بهشت طرف راست، جهنم سوزان طرف چپ، صراط پیش رو، و ذات اقدس الهی در مقابلش قرار دارد.»^۱ امام رضا علیه السلام فرموده است:

«نماز، صله (پیوند) و موهبتی است از طرف خداوند مهربان برای بنده از راه رحمت و عنایت. نماز، مطالبه ی وصال و راه رسیدن بنده به سوی خداوند است. البته هرگاه با نیت خالص وارد نماز شود، و با تعظیم و اجلال هرچه بیشتر برای خداوند تکبیر کند، و قرائت را با ترتیل بخواند، و با خشوع، رکوع را به جا آورد، و با تواضع سر از رکوع بردارد، و با ذلت و خضوع سر به سجده گذارد، و با اخلاص در حالی که امید به رحمت خدا دارد، تشهد خواند، سپس نمازش را با رغبتی تمام و با امید به رحمت بی کران الهی، سلام دهد، و به پایان رساند؛ و در حالی بین ترس و امید، این فریضه ی الهی را به انجام رساند. پس هر گاه کسی نماز را با چنین آداب و شرایطی به جا آورد، حق نماز را ادا کرده است.»^۲



۱ - بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۶.

۲ - مستدرک الوسيله، ج ۱، ص ۲۶۴.

اهتمام به نماز شب

چنان که از گزارش رجاء ابن ضحاک استفاده می شود، امام هشتم علیه السلام به انجام کامل نوافل^۱ یومیّه و نافله شب مداومت داشت. در گزارش دیگری از ابراهیم بن عباس چنین آمده است: «سیره‌ی آن حضرت چنان بود که شب کم می خوابید و بیشتر شب را بیدار بود و به عبادت و نوافل مشغول بود.»^۲ علاوه بر سیره‌ی عملی آن بزرگوار، در بیانات آن معصوم نیز سفارش فراوانی به نافله ی شب شده است. امام رضا علیه السلام فرموده است:

«نماز شب، موجب خوشنودی خدا است.»^۳

نیز فرمود:

«بر شما لازم است که در به جای آوردن نماز شب کوشا باشید. هر بنده‌ای در آخر شب برخیزد، و هشت رکعت نماز گزارد، سپس دو رکعت نماز شفع، و یک رکعت نماز وتر به جای آورد، و در قنوت آن هفتاد بار از خدا طلب آمرزش نماید، از عذاب قبر و آتش در پناه ایزدی قرار گیرد، و عمرش طولانی شود، و



۱ - نمازهای مستحبی زیاد است و آن‌ها را نافله گویند و بین نمازهای مستحبی به خواندن نافله‌های شبانه روز بیشتر سفارش شده و آن‌ها سی و چهار رکعت‌اند که هشت رکعت آن نافله ظهر که قبل از نماز ظهر خوانده شود و هشت رکعت نافله عصر که قبل از نماز عصر خوانده شود و چهار رکعت نافله مغرب که بعد از نماز مغرب خوانده شود و دو رکعت نافله عشا به صورت نشسته بعد از نماز عشا خوانده شود و یازده رکعت نافله شب، هشت رکعت آن به نیت نافله شب و دو رکعت آن نیت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر خوانده شود و دو رکعت نافله صبح می‌باشد که قبل از نماز صبح خوانده می‌شود.

۲ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۹۷.

۳ - من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۱۲. رضوان الله الصلاة بالیل.

وسعت رزق یابد»^۱

امام رضا علیه السلام از پدرشان و ایشان هم از جدشان نقل فرموده‌اند: از امام زین العابدین علیه السلام سؤال شد: چرا کسانی که نماز شب می‌خوانند از خوشروترین مردمانند؟

حضرت در پاسخ فرمود:

«زیرا آن‌ها با خدا خلوت کرده‌اند، و خداوند نیز ایشان را از

نور خود پوشانده است.»^۲

بدین سان سیره آن حضرت آن بود که به همه مستحبات اهتمام می‌ورزیدند و در انجام با کیفیت آن بسیار می‌کوشیدند، اما به نماز شب و نماز جعفر طیار توجه خاص داشتند و هر دو را با هم می‌خواندند. نماز شب و نماز جعفر طیار وقتی تأثیر فراوان بر روح و معنویت انسان می‌گذارد که در خلوت و به دور از چشم دیگران و با نشاط روحی و کیفیت و به طور مکرر و مداوم انجام شود و اگر کسی به چنین توفیقی دست یابد، انوار الهی بر قلب او خواهد تابید.

دعبل خزائی، که از شعرای به نام بود، گوید:

وقتی قصیده معروف به «مدارس آیات» را سرودم، برای زیارت امام رضا علیه السلام به خراسان رفتم و شعر خودم را برای آن حضرت خواندم. آن حضرت آن را تحسین کرد و فرمود اشعارت را برای کسی نخوان تا من اجازه خواندن به تو بدهم.

خبیر آمدن من به خراسان، به مأمون نیز رسید، مرا احضار کرد و حالم را پرسید و از من خواست تا شعر معروفم را برایش بخوانم، من گفتم: آن را نمی‌دانم. مأمون، به غلام خود گفت: علی بن



۱ - بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۱، ح ۵۳.

۲ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، باب ۲۸، حدیث ۲۸، ص ۵۷۴.

موسی الرضا علیه السلام را بخوان. چیزی نگذشت که حضرت آمد و به من فرمود: ای دعبل! اشعارت را بخوان. من اشعارم را خواندم، مأمون آن را تحسین کرد و پنج هزار درهم به من جایزه داد. امام رضا علیه السلام هم نزدیک به همین مبلغ را به من مرحمت فرمود. من از حضرت رضا علیه السلام خواستم که یکی از لباس هایش را به من بدهد تا آن را کفن خود قرار دهم. حضرت نپذیرفت و دستمال و پیراهنی از خز را به من داد و فرمود:

«نگه دار که در آن، هزار شب و در هر شب، هزار رکعت نماز خوانده‌ام و در آن هزار بار قرآن ختم کرده‌ام.»^۱
 امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

«خانه‌هایی که در آن نماز شب خوانده می‌شود، بر اهل آسمان‌ها نور می‌دهند، همان‌طوری که ستارگان بر اهل زمین نور می‌دهند.»^۲
 از امام علیه السلام سؤال شد: عبودیت چیست؟ امام فرمود: «در پنج چیز است: ۱ - خالی بودن شکم، ۲ - قرائت قرآن، ۳ - نماز شب، ۴ - تضرع در پیشگاه خدا در صبحگاهان، ۵ - گریه و زاری از خوف خدا»^۳

«بر نماز شب و تهجد، مراقبت و مداومت کنید؛ زیرا که نماز شب، احترام به ساحت اقدس پروردگار است؛ آن موجب افزایش روزی می‌گردد و چهره‌ها را زیبا می‌سازد و رزق آن روز را

۱ - «احتفظ بهذا القميص، فقد صليت فيه الف ليلة، كل ليلة الف ركعة و ختمت القرآن فيه الف ختمة» بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۳۰۹؛ اصول وافی، ج ۲، ص ۱۱۴؛ المحجة البيضاء، ج ۴، ص ۲۸۴.

۲ - «ان البيوت التي يصلی بالليل يزرها نورها لأهل السماء كما يزر الكواكب لاهل الارض» بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۶۱.

۳ - «سئل [الرضا علیه السلام] عن العبودية: قال علیه السلام: العبودية خمسة اشياء: خلو البطن و قرائة قرآن و قيام الليل و التضرع عند الصبح و البكاء من خشية الله.» الموعظ العدديه، ص ۱۵۹.



ضمانت می‌کند. در نماز وتر درنگ و وقوف بسیار کنید؛ زیرا که در حدیث آمده است که: هر کس در نماز وتر خود، درنگ کند، وقوف و درنگ او در محشر و روز قیامت، اندک خواهد گشت.^۱ «ای برادر! شب و روز بیهوده نمی‌گذرد؛ بلکه از گذشتنش، نقص به عمر آدمیان وارد می‌شود و این شب و روز، ساعت و لحظاتی است. پس اگر به لُهو و لعب پرداختی، بدان که روز را به غفلت گذرانده‌ای و هرگاه شب فرا رسد و تو همه‌ی آن را به خواب رفتی، از جمله آن کسانی هستی که در شب و روز، هیچ خیری در او نیست و هر کس چنین باشد مردنش بهتر است از زنده بودنش؛ زیرا قلبش مرده است و هر کس قلبش مرده باشد، خیری در حیات بدن او نیست. ای برادر! بیدار باش که بیشتر عمرت در غفلت و خواب گذشت و غنیمت بدان باقیمانده عمر خود را و قیامت را فراموش مکن تا عاقبت به خیر باشی ... ای برادر! هوشیار باش و تلافی کن آنچه را که از تو فوت شده است. بسیار بر خود گریه کن به خاطر این که موفق نمی‌شوی که به پروردگارت توجه کنی و به سوی او روی آوری.

عتاب کن نفس اماره خود را و قبول نکن عذرهایش را در ترک بیداری در شب؛ زیرا عذرهایش همه دروغ است و اگر رنج بیداری یک ساعت از شب را به خود هموار سازی، به یک راحت و نعمتی همیشگی خواهی رسید»^۲



۱ - «حافظوا علی صلاة اللیل، فانها حرمة الرب، تدّر الرزق و تحسن الوجه و تضمن رزق النهار و طولوا الوقوف فی الوتر؛ فانه روی: من طول الوقوف فی الوتر، قل وقوفه یوم القیامة» نشان از بی نشانها، ص ۲۲۷.

۲ - ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۱۰ و ۱۳.



گفتار دوم

اسرار و حکمت‌های نماز

حکمت‌ها و اسرار مقدمات نماز

الف: طهارت

برای شرکت در هر ضیافتی، مقدمات متناسب با همان ضیافت را باید فراهم کرد. نماز شرکت در ضیافت خلوت و نیایش با خدایی است که پاکی مطلق، زیبایی مطلق و نور مطلق است و نمازگزار برای آمادگی شرکت در چنین ضیافتی باشکوه باید ابتدا ظاهرش را از آلودگی و باطنش را از پلیدی‌ها و رذایل باطنی پاک سازد و با گرفتن وضو، نورانیت پیدا کرده و با پوشیدن لباس تمیز و شانه کردن سر و صورت و زدن عطر با ظاهری آراسته برای شرکت در این ضیافت خود را آماده کند.



۱- وضو

امام پاکی‌ها و زیبایی‌ها در بیان اسرار وضو به طهارت ظاهر و باطن اشاره کرده و فرموده است:

- ۱ - پاک بودن بنده هنگام ایستادن در مقابل خدا.^۱
- ۲ - پاکیزه شدن از آلودگی‌ها و نجاسات؛^۲
- ۳ - در وضو، از بین رفتن کسالت و جلوگیری از حالت خواب آلودگی؛^۳
- ۴ - پاک کردن قلب برای حضور در محضر خدای جبار.^۴

۱ - «لأن یكون طاهراً إذا قام بين يدي الجبار عند مناجاته»

۲ - «تقیّاً من الأذناس و النجاسه»

۳ - «مع ما فيه من ذهاب الكسل و طرد النعاس»

۴ - «و تزکیة القواد للقیام بین یدی الجبار»

در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «علت وضو، این است که انسان در نماز، می خواهد با اعضای ظاهرش که همان اعضای وضوست در مقابل خداوند بایستد و فرشتگان را ملاقات کند، پس شستن صورت برای سجده و خضوع در آن است؛ شستن دو دست به سبب آن است که آن‌ها را به درگاه خدا بالا می‌برد و پایین می‌آورد و با آن دو کف، رغبت و رهبت و تبئل (حرکت دست، که نشانه خوف و امید و طلب و عبودیت است) انجام می‌دهد و مسح سر و روی دو پا برای این است که ظاهر و آشکار و برهنه است و در جمیع حالات نماز، با این سه استقبال کند و رو به حق بایستد.»^۱



۲ - غسل

در غسل به شستن تمام بدن امر شده است؛ زیرا پست‌ترین حالات انسان و شدیدترین حالت تعلق دنیوی انسان، حالت جماع کردن است و از آن‌جا که بر تمام قسمت‌های بدن، جنابت پخش می‌شود، لازم است برای پاک شدن از این جنابت فراگیر، همه‌ی بدن شسته شود؛ از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ان تحت کل شعرة جنابة»؛ «همانا زیر هر مویی جنابتی است.»^۲

در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «علت غسل جنابت، پاکیزگی و نظافت، و پاک کردن انسان خود را از منی و تطهیر کردن سایر قسمت‌های بدن است؛ زیرا جنابت از تمام اعضا خارج می‌شود، پس تطهیر تمام بدن بر او

۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۲، باب ۳۳، ح ۱.

۲ - اسرار الصلوة، شهید نانی، ص ۶۱؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۳، ح ۱۷۰.

واجب شده است.^۱»

علت غسل عیدین و جمعه و دیگر غسل‌ها آن است که انسان با آن‌ها، پروردگار خود را تعظیم می‌کند و بزرگ می‌دارد و نیز به سبب آن‌ها متوجه به خداوند کریم و بزرگوار خود می‌شود و از خداوند درخواست آموزش می‌کند و نیز به سبب این که روز عید برای مردم شناخته شده است، خداوند غسل این روزها را بزرگداشت و تفضیل آن‌ها بر دیگر روزها قرارداد و علت غسل جمعه، طهارت و پاکی بنده تا جمعه دیگر است.

علت غسل میت این است که میت را غسل دهند تا از آلودگی‌ها و امراضی که داشته، پاک شود؛ زیرا میت با فرشتگان ملاقات می‌کند و با اهل آخرت همنشین می‌گردد. پس چه نیکوست وقتی بر خدا وارد می‌شود و پاکان را ملاقات می‌کند، با طهارت و نظیف باشد تا مورد درخواست رحمت و شفاعت واقع شود. (و دیگر اینکه، برای پاک شدن از آن منی‌ای که از آن آفریده شده، و در هنگام مرگ از بدن او خارج می‌شود و جنب می‌گردد، غسل لازم است.)

علت غسل مس میت، طاهر شدن شخص است از چرک و پلیدی‌هایی که به جهت مس کردن میت به او رسیده؛ زیرا شخصی که از دنیا رفته، روحش از او مفارقت کرده و بیشتر میکروب‌ها در پیکر او باقی می‌ماند، پس باید پس از تماس با او، تطهیر انجام شود.^۲



۱ - من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۳، ح ۱۷۱.

۲ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۱، باب ۳، ح ۱.

ب: اوقات نماز

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت است که به فضل بن شاذان فرمود:

«چنانچه کسی بپرسد که چرا نماز در این اوقات (اوقات معین و مخصوص) بدون تقدم و تأخر واجب شده است، جواب این است که این اوقات برای همه مردم روی زمین معلوم و واضح است و عالم و جاهل آن را به چهار وقت می‌شناسند: غروب آفتاب، خود آشکار و معلوم است که در آن، نماز مغرب واجب شده است و فرو رفتن سرخی آفتاب (شفق) پس از غروب خورشید معلوم و مشهور است که آن وقت نماز عشاء است؛ و همچنین طلوع فجر روشن و آشکار است و آن، وقت نماز صبح است و زوال شمس نیز آشکار و معلوم است و در آن، ظهر واجب می‌شود و برای عصر وقت مخصوص و معینی مانند نمازهای دیگر است و وقت آن پس از انجام ظهر است. و علت دیگر، این که خداوند دوست داشته که بندگانش قبل از هر کاری، ابتدا طاعت خداوند را انجام دهند؛ پس ایشان را در اول طلوع روز، امر کرده است که به عبادتش بپردازند و سپس در پی کار و روزی خویش روند و امور دنیوی خود را اداره کنند، پس در این وقت نماز صبح را بر ایشان واجب کرد و چون نیم روز شود از کار دست کشند و آن وقتی است که مردم به جای خود بازگردند و لباس از تن به در آرند و بیاسایند و به خوردن مشغول شوند و استراحت کنند و در چنین هنگامی خداوند آنان را امر فرموده که ابتدا به ذکر و عبادت او بپردازند، از این رو ظهر را بر ایشان



واجب کرده است تا به آن آغاز نمایند و سپس به کارهای دیگر بپردازند و چون امور شخصی را انجام دادند و خواستند پی کار و کسب خود روند، باز دستور نماز عصر را داده که آن را انجام دهند، و سپس به کاری که در نظر دارند رهسپار شوند و به اصلاح آن امر دنیایی خود بپردازند، و چون شب شد، لباس از تن بیفکنند و به جایگاه و منزل بازگردند، پیش از هر کار باید به عبادت و ذکر پروردگارشان ابتدا کنند و بعد به امور دیگر بپردازند، از این رو نماز مغرب را بر ایشان واجب فرمود، و چون وقت استراحت و خواب آید و از کوشش فراغت یافتند، خداوند دوست داشته است که در آغاز به عبادت و طاعت او بپردازند، سپس در پی اموری که می‌خواهند انجام دهند روند و از این جهت در این وقت، نماز عشاء را واجب کرد. پس چون این دستور را به کار بندند، او را فراموش نخواهند کرد و از او غافل نخواهد شد و در این صورت دل‌هایشان سخت نگردد و رغبت‌شان نکاهد و اگر کسی بگوید: وقتی معین برای عصر نیست، مانند اوقات نمازهای دیگر، چرا آن را بین ظهر و مغرب قرار داد و میان عشاء و صبح، یا میان صبح و ظهر قرار نداد؟ جواب این است: برای آن که هیچ وقتی برای مردم از ضعفاء و از کار برکناران و اقویا و کارگزاران آسان‌تر و راحت‌تر و مناسب‌تر برای نماز عصر از این وقت معین نیست، زیرا مردم همگی از اول روز به تجارت و معامله و آمد و رفت و کار و کوشش در رفع حوائج خود، و فعالیت در بازارهای کسب مشغول‌اند، پس خداوند نخواست که آنان را از به دست آوردن روزی به کار دیگر مشغول کند... نیز مردم همگی قادر به شب‌خیزی نیستند و آن را درست هم درک نمی‌کنند و وقت



آن در نیمه‌های شب اگر باشد، بیدار نمی‌شوند، هرچند واجب باشد و امکانش هم برای ایشان بسیار کم است، پس خداوند بر آنان آسان گرفت و نماز عصر را در سخت‌ترین ساعات شبانه روز مقرر نفرمود؛ بلکه وقت آن را در راحت‌ترین هنگام قرار داد، چنان که خداوند - عزوجل - خود فرموده است: «یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر»^۱

از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«افضل اوقات سه وقت است: هنگام زوال خورشید (ظهر) و پس از آن مغرب، و هنگام سحر؛ پس خداوند دوست داشت که برای قرب به او در این اوقات سه گانه نماز به جای آورده شود.»^۲



۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۳۰ - ۲۷۷.

۲ - همان، ص ۲۳۱.

حکمت ها و اسرار نماز

الف: وجوب نماز

نماز دری از درهای رحمت بی کران الهی است که قادر بنده نواز به روی بندگانش باز کرده و بهره‌مندی از برکات و آثار بی شمارش را به بندگان وظیفه‌شناس خود هدیه کرده است. محرم اسرار الهی و رحمت واسعه‌ی حق، امام هشتم در نامه جامع و زیبایی زیر درحد توان ما خاکیان محجوب، پرده از اسرار این ضیافت پر رمز و راز برداشته و گوشه‌هایی از آثار و برکات آن را بیان فرموده است: آن حضرت در نامه‌ای به یکی از اصحاب خود نوشته است:

«همانا عَلمت وجوب نماز، اقرار به ربوبیت پروردگار است و کنار گذاشتن شرک و این که برای خدا مثل و نظیری نیست؛ و ایستادن در برابر پروردگار با ذلت و بیچارگی، و خضوع و اعتراف به وحدانیت او، پشیمانی و طلب توبه از گناهان گذشته، و گذاشتن صورت بر زمین در هر روزی پنج مرتبه برای تعظیم پروردگار؛ و این که بنده متوجه خدا باشد و او را فراموش نکند، و راه سرکشی در پیش نگیرد، و خاضع و خاشع و ذلیل و مشتاق و خواستار زیادی توفیق در دین و دنیا باشد. آثار دیگری که در نماز است، عبارت است از: انزجار از غیر خدا، و مداومت بر ذکر حضرت باری در روز و شب تا بنده، سید و مدبر امور و آفریننده خود را فراموش نکند. چون فراموشی یاد حق، سبب در پیش گرفتن راه سرکشی و طغیان است. همچنین حکمت‌های دیگری که در نماز است، این که بنده به وظایف بندگی خود در پیشگاه



خدای خویش، قیام کند و این عبادت، او را از گناهان باز دارد و مانعی برای او از گرایش به فساد و تبه‌کاری باشد.»^۱
امام رضا علیه السلام در بیانات ارزشمند، آثار و برکات نماز را بیان فرموده‌اند و ما در این قسمت به توضیح مختصر هر یک از این اسرار و برکات می‌پردازیم.

۱ - اقرار به ربوبیت

امام رضا علیه السلام فرموده است:

«علت وجوب نماز؛ این است که نماز، اقرار به ربوبیت خدا و نفی مثل و نظیر برای او است.»^۲

اقرار به یکتایی و ربوبیت خدا، اولین خواسته او از آفریدگان خود است؛ خدایی که: «همیشه بوده و همیشه باشد؛ از همه چیزها بی‌نیاز است و همه چیزها به او نیازمند؛ توانای بر کمال و پادشاه بی‌زوال؛ قدّوس بی‌عیب و بی‌مثال، واحد بی‌شریک و بی‌انباز؛ جبار بی‌قهر و نقصان و قهار بی‌عجز و بی‌اعوان؛ رازق بی‌بخل و بی‌ریب و ملک بی‌مونس و بی‌مشیر؛ کریم بی‌طبع و بی‌سجّیت و رحیم بی‌دل و بی‌رقت؛ صمد بی‌نقص و بی‌آفت؛ واحدی بی‌تألیف و تجزیت؛ همه خلق را به او آرام و به او نیاز و او از همه بی‌نیاز. هرچه در فهم آید که پادشاه ما چنان است، نه چنان است؛ بلکه آفریدگار آن است که همه وصف و صّافان و همه مدح مدّاحان و همه‌ی توحید موحدان، در کمال و جلال

۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۴؛ علل الشرایع صدوق، ج ۲، ص ۳۱۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲ - «علّة الصّلاة أنّها اقرار بالربوبیة لله - عزوجل - و خلع الانداد.» وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۰.



او ناچیز نماید...»^۱

حال نمازگزار در برابر چنین موجودی، به عبادت و نیایش برمی خیزد و به یکتایی، توانایی، آفریدگاری، بی‌همتایی، بی‌نیازی، بزرگواری، دانایی و بنده نوازی او اقرار و اعتراف می‌کند و تنها او را شایسته و بایسته عبادت و نماز می‌داند و هرچه غیر او است، به دور می‌اندازد و هیچ می‌انگارد.

درباره معنای «رب» گفته شده است: «رب در لغت، به کسی گفته می‌شود که مدیریت و تدبیر شیئی به او واگذار شده و سرنوشت آن در اختیار او باشد. حال اگر ما خدا را «رب» خود می‌دانیم و بدان اقرار و اعتراف می‌کنیم، برای این است که سرنوشت کلیه شئون ما از وجود و هستی، حیات و ممات، رزق و روزی، تقنین و تشریح، مغفرت و آمرزش و... در دست او قرار دارد.»^۲



۲- خاکساری و تواضع

امام رضا علیه السلام فرموده است: «[علت و جوب نماز] ایستادن در پیشگاه خداوند در نهایت خضوع و تواضع و اعتراف به گناهان است.»^۳

نیایش به درگاه خداوند توانا، راز و نیازی است که بنده خاکسار، با معبود و آفریدگار خود می‌نماید. در خلوت و تنهایی

۱ - مفتاح النجات، ص ۱۰.

۲ - تفسیر منشور جاوید، ج ۲، ص ۳۹۳.

۳ - «[علة الصلاة أنها] قيام بين يدي الجبار بالذلّ والمسكنة والخضوع والاعتراف» وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۵؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۷۰.

با تمرکز فکر، توجه خود را به سوی مبدأ و آفریننده موجودات - که ملجأ و پناهگاه دل شکستگان است - معطوف می‌دارد و با خشوع و فروتنی، درماندگی، ناتوانی و پریشان حالی خود را به آستان الوهیتش عرضه می‌دارد و با ستایش ذات پاک خداوندی‌اش، کوچکی و حقارت خود را بیان می‌کند و از پیشگاه مقدسش عفو گناهان خود و شمول رحمت و عنایت بی‌پایان او را مسألت می‌نماید.

برای ادای بندگی و عرض حاجت، بهترین چیز این است که شخص با افتادگی و حالت عجز، دست به توسل به سوی خالق گشوده و نماز به جای آورد.

حلاوت و شیرینی عبادت «تواضع و فروتنی» است و بی‌آن، نماز لذتی نخواهد داشت.

روزی حضرت رسول به اصحاب خود فرمود: «چرا من حلاوت عبادت را در شما نمی‌بینم؟» عرض کردند: حلاوت عبادت چه چیز است؟ فرمود: «تواضع»^۱ و در خبر وارد شده است که خداوند فرمود:

«ای موسی! چون مرا یاد کنی، یاد کن در حالی که اعضای تو مضطرب و لرزان باشد و در وقت یاد من خاشع و با وقار و اطمینان باش... و چون در خصوص من بایستی، بایست مانند بنده ذلیل و مناجات کن با من با دل ترسناک و زبانی راستگو» و در بعضی احادیث قدسی وارد شده است که خدای متعال فرمود: «من نماز هر نماز کننده را قبول نمی‌کنم؛ بلکه نماز کسی را قبول می‌کنم که از برای عظمت من فروتنی کند و بر من سرکش‌ی نکند»^۲



۱ - معراج السعادة، ص ۲۲۸.

۲ - همان، ص ۶۶۹.

۳- دوری از گناه

حضرت رضا علیه السلام فرموده است: «[نماز]، موجب مداومت بر یاد خداوند در شب و روز می گردد تا بنده، مولا و خالق خویش را فراموش نکند و به سرکشی و طغیان نیفتد و همین توجه به خداوند و ایستادن در حضور اوست که انسان را از گناهان دور می سازد و از انواع و اقسام فساد، جلوگیری می کند.»^۱

«نماز» خود مانعی است بزرگ از این که آدمی به سوی گناه برود: «به درستی که نماز، انسان را از فحشا و منکرات باز می دارد و مهم ترین و بزرگ ترین نتیجه ی نماز، یاد خدا است.»^۲

نماز، افراد نمازگزار را، از بسیاری از گناهان باز می دارد و در عین حال زمینه را برای ترک گناهان دیگر آماده می سازد؛ زیرا نمازگزار ناچار است که برای صحت و قبولی نماز، از بسیاری از گناهان اجتناب ورزد؛ مثلاً یکی از شرایط نماز، مشروع بودن و مباح بودن تمام وسایلی است که در نماز و مقدمات آن به کار می رود؛ مانند: آب وضو و غسل و مکان و لباسی که در آن نماز می گزارد. این موضوع به تدریج سبب می شود که گناهان بسیاری را ترک کند و در کار و کسب از هر نوع حرام اجتناب ورزد؛ زیرا بسیار مشکل است که یک فرد تنها در امور مربوط به نماز، به حلال بودن آنها مقید شود و در موارد دیگر بی پروا باشد؛ مثلاً امام رضا علیه السلام می فرماید: «هر کس نماز بخواند ولی زکاتش



۱ - «مع ما فيه من الايجاب و المداومة على ذكر الله - عزوجل - بالليل و النهار لتلا ينسي العبد سيده و مدبرة و خالفة فيبطر و يطغى و يكون في ذكره لرته و قيامته بين يديه زجراً له عن المعاصي و مانعاً له عن انواع الفساد» وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۵؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۷۰.

۲ - «ان الصلاة تنهى عن الفحشا و المنكر و لذكر الله اكبر» عنكبوت (۲۹) آیه ۴۵.

را نپردازد، نمازش قبول نمی‌شود.^۱ از طرفی دیگر، خود نماز موجب ریزش گناهان و کمک به قبولی توبه است. نماز، انسان را از ذلت عاصی بودن در می‌آورد و لباس عزت و بزرگی به او می‌پوشاند و رحمت و بخشش الهی را شامل حال نمازگزار می‌گرداند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «نماز، گناهان را همچون برگ‌های پاییزی می‌ریزد و غل و زنجیرهای معاصی را از گردن‌ها می‌گشاید.»^۲

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «آنگاه که بنده خدا به نماز می‌ایستد و همه توجهش به سوی «الله» باشد، در حالی که نمازش پایان می‌یابد که مانند روز تولدش، پاک است.»^۳

۴ - تعظیم خداوند

امام رضا علیه السلام فرموده است: «[نماز] هر روز پیشانی بر زمین ساییدن، برای تعظیم پروردگار است.»^۴ انسان، وقتی خود را در برابر عظمت و جلال پروردگار می‌بیند، ناخودآگاه در برابر او احساس خضوع و فروتنی می‌کند؛ آن‌سان که در برابر یک شخصیت مهم، خویشتن را کوچک و ناچیز می‌شمرد و او را تعظیم و تکریم می‌کند.

۱ - «من صلی و لم یزک، لم تقبل صلاته» عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۹۳.

۲ - «أنها (الصلاة) لتحت الذنوب حتّ الورق و تطلقها اطلاق الرّیق». نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۴.

۳ - «إذا قام العبد الی الصلاة، فکان هواه وقلبه الی الله تعالی، انصرف کیوم ولدته امه» محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۸۲.

۴ - «[الصلاة] وضع الوجه علی الارض کلّ یوم خمس مرّات، اعظاماً لله عزّوجلّ» وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵؛ من لا یحضره الفقیه، ص ۷۰.



صاحب جامع السعادات نیز در تعریف و بیان «تعظیم» می‌نویسد:

«تعظیم حالتی است که از دو معرفت حاصل می‌شود: یکی معرفت جلال و عظمت خدا؛ زیرا هر که به عظمت او معتقد نیست، نفس را به بزرگداشت او وانمی‌دارد و این معرفت از اصل و ایمان است. و دیگر معرفت حقارت و ذلت نفس و دانستن این که بنده مسخر و در تحت قدرت پروردگار است و از سود و زیان خویش ناتوان و از این دو معرفت فروتنی و تواضع و خشوع حاصل می‌شود که آن را «تعظیم» می‌گویند.

و تا هنگامی که معرفت حقارت نفس با معرفت جلاله پروردگار آمیخته نشود، حالت تعظیم و خشوع پدید نمی‌آید؛ زیرا کسی که خود را از غیر بی‌نیاز می‌انگارد و بر خود اعتماد دارد، ممکن است صفات عظمت و جلال و قدرت و کمال را درباره غیر بشناسد ولی نسبت به او خاشع و فروتن نباشد؛ زیرا معرفت نیاز و حقارت نفس، همراه آن نیست.»^۱

مرحوم آقا میرزا جواد ملکی تبریزی، صاحب کتاب شریف، «اسرار الصلاة» نیز می‌نویسد: «تعظیم یکی از حالات قلب است که موجب آرامش و خشوع و شکستگی خاطر در مقابل پروردگار و باعث معرفت به عظمت و جلال ذات اقدس می‌شود... هرگاه انسان به عظمت سلطان خداوندی و سعه‌ی ملک او و جلالت قدرت او معرفت پیدا کرد و دانست که ممکن [الوجود] در حقیقت هیچ است و او به اندازه ذره‌ای مالک خیر و شرّ خود نیست و مرگ و حیات و حشر و نشرش به دست



دیگری است، عقل و اندیشه‌اش مقهور این عظمت می‌گردد و در پیشگاه حضرت حق اظهار ذلت و خشوع می‌کند و قلبش از مشاهده عظمت جلال او و جلالت سلطان او، بیش از حد و وصف، خاضع و خاشع می‌گردد... عظمت سلطان خداوندی، بر آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها و جلالت قدرت او، بر آن‌ها و امساک و نگهداری و رزق و حفظ و تربیت آن‌هاست...»^۱

۵ - یاد خدا

حضرت رضاء علیها السلام فرموده است: «[علت وجوب نماز این است که] آدمی همیشه هوشیار باشد تا گرد و غبار فراموشی حق بر دل او سایه نیفکند و مغرور نگردد.»^۲

حضرت آیت الله خامنه‌ای - مدظله العالی - می‌نویسد: «یکی از عمل‌هایی که سرشار از انگیزه‌ی یاد خدا است و می‌تواند انسان را یکسره غرق در یاد خدا کند و می‌تواند بیدار باش و به خویش آورنده باشد و می‌تواند همچون شاخص و علامتی، رهروان راه خدا را، بر روی خط مستقیم، [نگه] بدارد و از گنجی و گمی حفظ کند و می‌تواند از لحظه‌ای غفلت در زندگی آدمی مانع گردد... «نماز» است.»^۳

و در کتاب «لباب الالباب» مروی است که: «بهشتیان بر هیچ چیز که در دنیا از دستشان رفته است، به قدر آن ساعت که بی‌خبر



۱ - اسرار الصلاة، ص ۳۱۲.

۲ - «ان یکون ذاکراً غیر ناس و لا بطر» وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۰.

۳ - از زرفای نماز، ص ۹.

از یاد خدا نشسته بودند، حسرت و تأسف نمی‌خورند.»^۱

بهترین وسیله برای «ذکر و یاد خدا» نماز است. انسان تا از بستر خواب سر بر می‌دارد، به وسیله نماز صبح، به یاد خدا می‌افتد و تا مدتی در برابر حملات شیطان و غفلت از خدا، در امان است و تا هجوم افکار مادی و نفسانی بر او غلبه می‌کند، اوقات نماز ظهر و عصر و مغرب با فاصله‌های کوتاه، فرا می‌رسد و او را با یاد خدا، بیمه می‌کند. هنگامی که تاریکی شب به او فرصت می‌دهد که برخی از مرزها را نادیده بگیرد، وقت نماز عشاء و نمازهای آخر شب می‌رسد و او را با یاد خدا جلا می‌دهد و هر آنچه جز یاد خدا را از دلش می‌زداید. اینان، کسانی‌اند که خداوند فرموده است: «بزرگ مردانی که هیچ تجارت و کسبی آنان را از یاد خدا و اقامه نماز، باز نمی‌دارد و چون وقت نماز می‌رسد، دست از هر کاری می‌کشند و به نماز می‌ایستند»^۲



۶ - طلب فزونی در دین و دنیا

حضرت علی بن موسی الرضا فرموده است: «علت وجوب نماز این است که آدمی [خاضع و فروتن و خواستار افزونی دین و دنیا باشد]»^۳

حضرت امام رضا علیه السلام در این فراز از سخنانش، نماز را وسیله‌ای برای فزونی دین و دنیا می‌داند و می‌فرماید که نمازگزار،

۱ - «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَا يَتَحَسَّرُونَ عَلَى شَيْءٍ فَاتَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا، كَتَحَسَّرُمُ عَلَى سَاعَةِ مَرَّتْ مِنْ غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ.» نشان از بی نشان‌ها، ص ۴۱۳.

۲ - «رَجَالٌ لَا تَلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَاقَامَ الصَّلَاةَ» نور (۲۴) آیه ۸.

۳ - «وَيَكُونُ خَاشِعًا مُتَذَلِّلًا رَاغِبًا طَالِبًا لِلزِّيَادَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا» وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۰.

از طرفی خضوع و فروتنی خود را در نماز نشان می‌دهد و به بندگی و فقر و نیاز خود در برابر خدا اعتراف می‌کند و از طرف دیگر از نماز استعانت می‌جوید و آن را وسیله‌ای در جهت تعالی دینی و دنیایی خود قرار می‌دهد.

خداوند متعال می‌فرماید: «به وسیله‌ی صبر و نماز در مشکلات کمک جویند، به درستی که نماز، بار گران و سنگینی است مگر بر کسانی که در برابر خدا خاشع و تسلیم‌اند.»^۱ در بعد دینی، نماز بهترین وسیله برای کسب کمالات و معنویات است و نردبان صعود و ترقی انسان به سوی عرش رحمان می‌باشد.

نماز، بر روحانیت و معنویت انسان می‌افزاید و در پاکی درون و در نورانیت دل تأثیر عمده‌ای ایفا می‌کند.

«هر کس که خداوند سبحان را یاد کند [و نماز بخواند]، خداوند دل او را زنده کرده و عقل و خردش را روشن می‌گرداند.»^۲ و «نماز هر کس، نوری در دل اوست، پس هر کس بخواند [می‌تواند با نماز] قلبش را نورانی کند.»^۳

و هر اندازه که درون انسان پاک و قلب او نورانی باشد، تدبیر و تعبد او بیشتر خواهد بود و حرکت او به سوی تقوا و پاکی‌ها، شتاب خواهد گرفت.

در امور دنیوی، نماز به زندگی انسان برکت می‌دهد و رزق و روزی شخص را زیاد می‌کند و به او شخصیت و آبرو می‌بخشد.

۱ - «واستعينوا بالصبر و الصلاة و انها لكبيرة الا على الخاشعين» بقره (۲) آیه ۴۵.

۲ - «من ذكر الله - سبحانه - احبى قلبه و نور عقله و لبه» منتخب القرر، ص ۱۹.

۳ - «صلاة الرجل نور في قلبه، فمن شاء منكم فليثور قلبه» بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۹، ح ۴۸.



پیامبر ﷺ فرموده است: «نماز باعث برکت در رزق و روزی می‌شود.»^۱

و شیخ مفید روایت کرده است که: «نماز شب، روزی را جلب و آن را زیاد می‌کند.»^۲

نماز، به زندگی انسان نظم می‌بخشد و بدین وسیله بر کارها و برنامه‌های روزانه او تأثیر می‌گذارد و کیفیت و بازدهی وی را بالا می‌برد.

اوقات نماز، طوری تنظیم شده است که نمازخوان عملاً به نظم عادت می‌کند و در تمام شئون زندگی، آن را رعایت می‌نماید.

و دیگر آن که نماز، در مشکلات و غم‌های دنیا، بهترین و مطمئن‌ترین تکیه‌گاه است و می‌تواند در ناملایمات زندگی، همانند چراغی فروزان، فرا روی انسان قرار گیرد.

در رحمت به روی خلق باز است

کلید این در زیبا، نماز است



۷- طلب مغفرت

امام رضا علیه السلام فرموده است:

«نماز، تقاضای عفو و بخشش از گناهان گذشته است»^۳.
گناهمانی که از روی نادانی و غفلت از او سر زده است و اینک شرمنده و پریشان، رو به سوی بزرگی می‌کند و سر به سجده می‌گذارد و یا دستانش را ملتمسانه به سوی آسمان می‌گشاید و طلب مغفرت و عفو می‌نماید.

۱ - «الصلوة...برکة فی الرزق» خصال صدوق، ج ۲، ص ۵۲۲.

۲ - «أن صلاة الیل تجلب الرزق» ثواب الاعمال، ص ۶۹.

۳ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۲.

نمازگزار گناه نمی‌کند و در صورت ارتکاب به گناه، سریعاً توبه می‌کند و از کرده خود به شدت اظهار ندامت و پشیمانی می‌نماید. آن‌گاه نماز می‌گذارد و نماز را شفیع خود قرار می‌دهد و با تمسک به نماز، سعی در پذیرش توبه خود می‌کند؛ آن‌هم توبه‌ای راستین و نصوح وار...

امام صادق علیه السلام فرموده است: «هر بنده‌ای که گناهی کرد، پس برخیزد و تحصیل طهارت کند (وضو بگیرد) و دو رکعت نماز بخواند و از خداوند متعال طلب آمرزش نماید، [در این حالت] بر خدا است که توبه او را بپذیرد.»^۱



ب: اجزای نماز

۱- اذان و اقامه

آوای دلپذیر و روح‌بخش اذان، دعوت آدمی برای حضور در خلوت‌گه راز و باریافتن به مقام انس با حضرت محبوب است. آوای اذان با شور و جذبه دلپذیری که در آن وجود دارد، مسلمانان را به سوی عبادت و پرستش آفریدگار دعوت می‌کند. بانگ اذان، بانگ رستاخیز عشق و دلدادگی است. صدای اذان، دلنوازترین نغمه و فرح‌بخش‌ترین سرود آسمانی است.

اذان، اعلام موجودیت و فریاد مسلمانان علیه خدایان خیالی است. این گل نغمه توحیدی، با «الله» نام خدای بزرگ، شروع می‌شود و به یگانگی آفریدگار جهان و گواهی به رسالت پیامبر ﷺ اوج می‌گیرد و با دعوت به رستگاری، فلاح، عمل نیک و نماز پایان می‌پذیرد. و چه زیباست این اذان که هر روز با آن چندین بار نام محبوب و مقصود، شنیده می‌شود. و چه نیکوست این اذان که شیفتگان و شوریدگان شهر عشق را به ضیافتی شاهانه فرا می‌خواند.

نام معشوق به هر بام و در است
بر دل مدعیان صد شرر است
بارک الله از این دین حنیف
که از او یار، به من جلوه‌گر است
همه ذرات به تسبیح وی‌اند
خیز از جای که وقت سحر است



عارف ربانی، مرحوم ملکی تبریزی می‌نویسد:

«اذان، دعوت برای ملاقات است و همان گونه که روز قیامت، مردم برای عرضه شدن به خداوند فرا خوانده می‌شوند، در این دنیا هم مؤذنان، مؤمنان را به مجلس حضور و معراج و زیارت حضرت پروردگار فرا می‌خوانند. پس اگر معرفت انسان، در این دنیا به حدی باشد که از این ندا لذت ببرد، در آخرت نیز از ملاقات حضرت حق بی‌بهره نخواهد بود؛ چرا که معرفت در این دنیا به منزله بذر مشاهده در آخرت است. و اگر بر اثر جهل، حال انسان به گونه‌ای باشد که این ندا او را خوش نیاید، این امر سبب خواهد شد که ندای روز قیامت هم خوشایند او نباشد و اگر در این دنیا در هنگام شنیدن اذان، در زمره غافلان باشد، حالش در آن روز مناسب با این غفلت خواهد بود...»

بنابراین کسی که موقع نماز از وظیفه اش نسبت به پروردگار آگاه باشد و بداند که این امر، لطفی عظیم از ناحیه‌ی حضرت حق نسبت به اوست، بی‌شک روشنی چشمش در نماز خواهد بود...»

همان گونه که دعوت دوستانش را برای حضور در چنین مجالسی می‌پذیرد، اذان را هم - که به منزله‌ی منادی ذات اقدس حق است - به گوش جان می‌شنود و پاسخ می‌گوید...»^۱

امام هشتم علیه السلام برای نمازهای واجب اذان و اقامه می‌فرمودند و به دوستان و یاران خود نیز سفارش می‌کردند که در نماز اذان و اقامه بگویند. عباس بن هلال از حضرت رضا علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«هر کس هنگام نماز اذان و اقامه بگوید، دو صف از فرشتگان



با وی نماز خواهند خواند و اگر اقامه بگویند یک فرشته طرف راست و یکی طرف چپ او نماز خواهند خواند. سپس فرمود: شما هر دو صف را مغتنم بدارید (یعنی اذان و اقامه هر دو را بگویند).^۱

امام رضا علیه السلام از پدران گرامش نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اذان گویان در روز رستاخیز از دیگران به اندازه یک سر و گردن بلندترند.»^۲

حضرت رضا علیه السلام فرموده است:

مردم به علل زیادی مأمور به اذان شده‌اند؛ از آن جمله: ۱ - تذکر مردم ۲ - بیداری غافلان ۳ - توجه به نماز ۴ - ترغیب مردم به یاد خدا و دعوت به یاد خدا ۵ - آشکار کردن ایمان به اسلام ...^۳

امام رضا علیه السلام در حدیث مفصلی درباره حکمت جمله به جمله اذان و اقامه فرموده است:

«اذان به تکبیر آغاز و به تهلیل ختم شده است، زیرا خداوند اراده فرموده اذان به نام و یاد او آغاز شود ... سبب این که پس از تکبیر، شهادتین قرار دارد آن است که نخستین مرحله‌ی ایمان، توحید و اقرار به یگانگی خداوند و پس از آن اقرار به نبوت حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و این که طاعت هر دو، و شناخت هر دو با یکدیگر در ایمان مقرون است. اساس ایمان همان اقرار به شهادتین است.»



۱ - بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۶، ح ۳۷.

۲ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۱.

۳ - من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۵.

پس در اذان دو شهادت (گواهی به یگانگی خدا، و رسالت پیامبر ﷺ) قرار داده شده است چنان که در سایر حقوق دو شهادت قرار داده شده است (و دو شاهد لازم است). هرگاه بنده‌ای به یگانگی خداوند متعال و رسالت حضرت رسول خدا ﷺ اقرار کند، همه‌ی مراحل ایمان و مراتب آن را پذیرفته است، زیرا اصل ایمان همان شناختن خدا و رسول است.

علت این که در اذان، پس از شهادتین، مردم برای ادای نماز دعوت شده‌اند، این است که اذان برای دعوت مردم به طرف نماز (در مکان مخصوصی) تشریح شده است و مؤذن با گفتن «حیّ علی الصلاة» (برای به پاداشتن نماز بشتابید) رسیدن وقت نماز را به نمازگزاران اعلام می‌کند و ندا به نماز یعنی «حیّ علی الصلاة» در وسط اذان مقدر شد، زیرا که مؤذن قبل از «حیّ علی الصلاة» چهار فصل مقدم می‌دارد. دو تکبیر و دو شهادت و بعد از «حیّ علی الصلاة» چهار فصل دیگر می‌گوید، زیرا پس از آن دو بار «حی علی الفلاح» می‌گوید و مردم را به رستگاری و نجات فرا می‌خواند تا آن‌ها به عمل نیک و نماز ترغیب شوند. پس از آن دوبار «حی علی خیر العمل» می‌گوید تا مردم را به بهترین اعمال که نماز است تشویق کند. پس از آن دوبار، صدای خود را به «الله اکبر» و دوبار به «لا اله الا الله» بلند می‌کند، و کلام را با ذکر و یاد خدا که معبود یکتاست پایان می‌دهد همچنان که با یاد همان نام آغاز نمود.

علت این که آخر اذان، گفتن جمله «لا اله الا الله» مقرر شده است نه گفتن «الله اکبر» این است که: چون «لا اله الا الله» نام خدا در آخر جمله قرار گرفته است و خداوند می‌خواهد در اذان کلام



به اسم او خاتمه یابد، چنان که به اسم وی آغاز شده است. علت این که در پایان جمله‌های اذان، به جای «لا اله الا الله»، «سبحان الله» یا «الحمد لله» یا «الله اکبر» نیامده است، (در حالی که نام خداوند در آخر این اذکار نیز می‌باشد) این است که «لا اله الا الله» اعتراف به یگانگی خدا، و زدودن شرک و نفی همتا و انباز برای خدای متعال است، و این (اقرار) اساس و نخستین شعار ایمان است و از تسبیح گفتن و حمد کردن، مهم‌تر است.^۱

۲ - قیام

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «پس در مقابل پروردگارت چون بنده‌ای فراری و گناهکار - که در مقابل مولایش قرار گرفته است - بایست و قیام کن و قدم‌هایت را منظم کن و خود را برای اطاعت از مولایت مستعد و مهیا ساز و به چپ و راست توجه مکن...»^۲



خداوند متعال فرموده است: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»؛ «بر همه نمازها محافظت و مواظبت کنید، به ویژه بر نماز ظهر و عصر و برای خدا، به پا خیزید؛ در حالی که به دعا و عبادت مشغولید».^۳

۳ - تکبیر

حال که آمادگی پیدا کردی و می‌خواهی نماز را شروع کنی،

۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، باب ۳۴، ص ۱۰۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۵.

۲ - «فقف بین یدیہ، کالعبد الاقی المذنب بین یدی مولاہ فصیف قدمیک انصب نفسک و لا تلتفت یمنیا و شمالا...» بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۰۴

۳ - بقره (۲) آیه ۲۳۸.

نیت می‌کنی و دست‌ها را به علامت تسلیم بالا می‌بری و تکبیر می‌گویی.

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «در افتتاح نمازت، تکبیر بگو و دست‌هایت را تا نرمه‌ی گوش بلند کن»^۱
همچنین فرموده است:

«حرکت دست‌ها در موقع تکبیر، در توجه و ابتهال به خدا و حضور قلب مؤثر است.»^۲

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که فرمود:

«چون تکبیر می‌گویی، جز عظمت خدا [همه چیز] را، کوچک شمار؛ زیرا، خدای تعالی هنگامی که بنده‌ای را تکبیر گویند، می‌بیند، در حالی که در قلبش چیزی هست که با حقیقت تکبیر مخالف است، می‌فرماید: ای دروغ‌گو! مرا فریب می‌دهی، قسم به عزت و جلالم از حلاوت و شیرینی یادم، محرومت می‌کنم و از نزدیکی‌ام و سرور مناجاتم، منعت نمایم.»^۳

۴- قرائت

به هنگام خلوت با محبوب مطلق هستی و نماز و نیایش، چگونه خالق و قادر متعال هستی را ستایش کنیم؟ از او چه بخواهیم و از چه خطراتی به او پناه بریم؟ معلم قلم و بیان و قادر متعال و مهربان از سر لطف، چگونه گفتگو و نیایش با خود را به بندگانش ابلاغ کرده و مخزن اسرار الهی و امام رؤف و مهربان پرده از اسرار آن برداشته است:

۱ - «فاذا، افتتحت الصلاة، فکبر و ارفع یدیک بحداء اذنیک...» همان، ج ۸۴، ص ۲۰۴.

۲ - وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۷۲۷.

۳ - مصباح الشریعة، ص ۸۸.



«همانا مردم به قرائت قرآن در نماز امر شده‌اند تا قرآن مهجور و ضایع نگردد و نیز به سبب این که قرآن محفوظ باشد و از بین نرود و فراموش نشود؛ و همانا واجب شده که سوره حمد خوانده شود نه سوره‌های دیگر؛ زیرا هیچ سوره‌ای نیست که مانند سوره حمد، جامع تمام خیرات و حکمت‌ها باشد.»^۱

حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که: «خداوند متعال می‌فرماید: من فاتحه الكتاب را بین خود و بنده ام تقسیم کرده‌ام؛ نیمی از آن من و نیمی از آن اوست و اینک بنده من هر چه می‌خواهد از من سؤال کند.

هرگاه بنده‌ای بگوید: «بسم الله الرحمن الرحيم»، خداوند می‌فرماید: بنده من به نام من آغاز کرد و بر من لازم است که کارهای او را به انجام برسانم و به زندگی او برکت دهم، هرگاه بگوید: «الحمد لله رب العالمين» خداوند - جل جلاله - می‌فرماید: بنده‌ام حمد مرا به جای آورد و دانست نعمت‌هایی که در نزد او می‌باشد، از من است و بلاها را من از وی دفع کرده‌ام؛ اینک گواه باشید که من علاوه بر آن‌ها، نعمت‌های آخرت را نیز به او می‌دهم و او را از گرفتاری‌های آخرت نجات می‌دهم؛ همان گونه که از بلاهای دنیا نجاتش داده‌ام.

هرگاه بگوید: «الرحمن الرحيم» خداوند می‌فرماید: بنده‌ام گواهی داد که من رحمان و رحیم می‌باشم، اکنون او را از رحمت و بخشش‌های خود بهره‌مند می‌سازم. هرگاه بگوید: «مالک يوم الدين» خداوند می‌فرماید: من شما را گواه می‌گیرم همان گونه که او اعتراف کرد من مالک روز قیامت هستم، حساب آن روز را



برایش آسان خواهم کرد و از گناهانش خواهم گذشت.
هنگامی که بنده‌ای بگوید: «ایاک نعبد» خداوند متعال می‌فرماید:
بنده‌ام راست می‌گوید و او فقط مرا عبادت می‌کند، اینک شما
شاهد باشید که من پاداش عبادت‌های او را می‌دهم تا کسانی که
غیر از مرا عبادت کرده‌اند، به حال او غبطه بخورند و آرزوی مقام
او را داشته باشند.

هنگامی که بنده‌ای بگوید: «وایاک نستعین» خداوند می‌فرماید:
بنده‌ام از من یاری می‌خواهد و به من پناه آورده است، من در
کارها او را کمک خواهم کرد و در سختی‌ها به یاری او خواهم
شتافت و در مشکلات دست او را خواهم گرفت.

هرگاه بنده‌ای بگوید: اهدنا الصراط المستقیم...» خداوند
می‌فرماید: بنده‌ام هرچه دلش می‌خواهد سؤال کند. من
خواسته‌های او را اجابت می‌کنم و به آرزوهایش می‌رسانم و
از هرچه می‌ترسد، او را ایمن می‌سازم و آرامش و سکون به او
می‌دهم.»^۱

جهر و اخفات

از امام رضا علیه السلام درباره حکمت‌های جهر و اخفات چنین نقل
شده است:

«علت این که بعضی نمازها باید بلند و بعضی آهسته خوانده
شود این است که نمازهایی که باید بلند خوانده شوند، (صبح،
مغرب، عشاء) در اوقاتی است که هوا نسبتاً تاریک و واجب
است بلند خوانده شوند که اگر کسی از آن‌جا عبور می‌کند،



بداند که جماعتی در آنجا نماز می‌خوانند تا اگر خواست به آن‌ها ملحق شود؛ چون تاریکی مانع دیدن اوست و بلند خواندن باعث می‌شود او صدای نمازگزاران را بشنود. ولی دو نمازی که آهسته خوانده می‌شود (ظهر و عصر) به دلیل این که روز است و عملشان کاملاً قابل رویت است، احتیاج به بلند خواندن ندارد.^۱

۵- رکوع

«رکوع، نمایشگر و نمودار خضوع انسان است در برابر قدرتی که او را قوی‌تر از خود می‌داند و مسلمان چون خدا را برترین قدرت‌ها می‌داند، در برابر او رکوع می‌کند و چون هیچ موجودی جز خدا را برتر و فراتر از انسانیت نمی‌داند، در برابر هیچ کس و هیچ چیز دیگر سر خم نمی‌کند. در همان حال [که] تن را، در برابر خدا به حالتی خاضعانه درآورده است، زبان را نیز به حمد و ستایش و بیان عظمت او می‌گشاید.»^۲

حضرت امام رضا علیه السلام در سفارشی گوهریار، خطاب به نمازگزاران می‌فرماید:

«بدان به راستی که تو در برابر خداوند جبار هستی. بنابراین به چیزی از اشیاء به بازی مشغول مشو... هرگاه به رکوع رفتی، پس دست‌هایت را بر زانوهایت بگذار و انگشتانت را بگشا و دست‌هایت را جمع کن.»^۳

حسن بن علی بن فضال گوید: امام رضا علیه السلام را هنگامی که عازم عمره



۱ - وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۸۲، ح ۷۷۴۰۶.

۲ - از زرفای نماز، ص ۵.

۳ - «و اعلم انک بین یدی الجبار و لا تعبت بشیء من الاشیاء و... فاذا رکعت، فاقم رکبیتک براحتیک و تفرج بین اصابعک و اقبض علیهما...» بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۰۴.

بود و برای وداع کنار قبر رسول الله ﷺ آمده بود، مشاهده کردم و بعد از مغرب، بالای سر مبارک رسول خدا ﷺ قرار گرفت و ابتدا به آن جناب سلام کرد و بعد خود را به قبر چسباند. بعد از این از جای خود برخاست و در کنار قبر به نماز ایستاد و بعد شانه چپ خود را به قبر چسباند. سپس در کنار یکی از ستون‌ها قرار گرفت و شش رکعت نماز خواند و رکوع و سجده خود را به اندازه سه تسبیح طول داد و بعد سر به سجده گذاشت و طول داد به اندازه‌ای که از عرقش، ریگ‌ها مرطوب شدند.^۱

حضرت امام خمینی ره در اسرار رکوع نوشته است: «سالک در جمیع منزل رکوع قلبش خائف و خاشع و در تحت سلطان کبریا و عظمت به جمیع اجزا و اعضای باطنه و ظاهره خفص جناح کند و از حرمان مقام راکعین و محرومیت این منزل شریف، بیمناک باشد»^۲

۶- سجود

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «جزء رسم و راه امامان شما، دوری از گناه، عفت و پاکدامنی، راستگویی، مصلحت اندیشی و سجده‌های طولانی است.»

سجده، بالاترین مرحله خضوع، والاترین درجه خشوع، بهترین وسیله تقرب، شایسته‌ترین حالت برای استجابت و نیکوترین منزل برای دریافت انوار درخشان حق تعالی و رسیدن به مقام قرب الهی است. حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی بیان زیبا و جالبی درباره سجود دارند. ایشان می‌نویسند:

«جبهه بر خاک نهادن، نشانه بالاترین حد خضوع انسان است

۱ - ادعیه و زیارات، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲ - سرالصلوة، ص ۹۸.



و نمازگزار، این حد نصاب تواضع را شایسته‌ی خدا می‌داند؛ زیرا کرنش در برابر نیکی و زیبایی مطلق است و آن را در برابر هر کس یا هر چیز غیر خدا، حرام و ناروا می‌شمارد؛ زیرا گوهر انسانیت - که ارزنده‌ترین متاع بازار هستی است - با این کار فرو می‌شکند و انسان، خوار و پست می‌گردد.

در همان حال که سر بر خاک نهاده و خود را غرق در عظمت خدا می‌بیند، زیانش نیز با این حالت هماهنگی می‌کند و با ذکری که می‌گوید، در حقیقت عمل خویش را تفسیر می‌کند: «سبحان ربی الاعلیٰ و بحمده»؛ پاک و پیراسته است خداوندگار من که برترین است و من ستایشگر اویم؛ خداوندگار برترین، خداوندگار پیراسته و پاک. و تنها در برابر چنین موجودی است که سزاوار است انسان، زبان به ستایش بگشاید و جبهه بر خاک بسپارد.^۱

و شاء در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

«نزدیک‌ترین حالات بندگان، هنگامی است که بنده در حال سجده باشد و از این جهت خداوند در قرآن فرموده است: (سجده کن و خود را نزدیک گردان)»^۲

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «وقتی بنده‌ای در حال سجده به خواب رود، خداوند به ملائکه می‌فرماید: نگاه کنید این بنده‌ام را که روح او را گرفته‌ام، در حالی که مشغول عبادت و اطاعت بود.»^۳



۱ - از زرفای نماز، ص ۵.

۲ - «أقرب ما یكون الی الله و هو ساجد...» ادعیه و زیارت حضرت رضا - علیه السلام - ص ۸۴ (سفینة البحار، ج ۱، ماده سجده)

۳ - «اذا نام العبد و هو ساجد قال الله عزوجل للملائكة: انظروا الی عبدی قبضت روحه و هو فی طاعتی.» بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۶۲.



گفتار سوم

نماز جماعت، جمعہ و عید

نماز جماعت

نماز جماعت، باشکوه‌ترین، بهترین، بیشترین، پاک‌ترین و معنوی‌ترین اجتماعات دنیا است.

حضرت رضا علیه السلام فرموده است: «نماز جماعت، با فضیلت‌ترین [عبادات] است.»^۱

«فضیلت هر یک رکعت نماز جماعت برابر با دو هزار رکعت نماز فرادا است.»^۲

اسرار نماز جماعت

پیرامون اسرار و فلسفه های نماز جماعت، حضرت رضا علیه السلام فرموده اند:

«نماز جماعت واجب شده تا اخلاص، توحید، عبادت و اسلام اظهار شود و همین اظهار بر اهل عالم حجت را تمام کند و بر منافق و کسی که نماز را سبک می‌شمارد، اتمام حجت گردد... و نیز شهادت مردم به عدالت یکدیگر جایز و ممکن باشد. همچنین جماعت - که تعاون، بر و احسان است - بازدارنده از گناهان می‌باشد.»^۳

دو نکته درباره امام جماعت

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:

«اگر خواستی پشت امام جماعت قرار گیری، تا وقتی که صف



۱ - جامع احادیث، ج ۴، ص ۴۵۰.

۲ - بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۴.

۳ - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲؛ بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۲.

اول خالی است، در صف دوم قرار نگیرد.^۱

۲ - در جای دیگر فرموده است:

«هرگاه امام جماعت شدی، نماز را طولانی نکن و سبک تر بخوان، به خاطر رعایت حال مأمومین؛ ولی اگر تنها نماز می‌خوانی، هر چه خواستی سنگین تر و طولانی تر بخوان؛ زیرا این کار عبادت واقعی است.»^۲



۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۹۰.

۲ - بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۰۳.

نماز جمعه

یکی از اجتماعات خیلی با ارزش و مهم مسلمانان، نماز جمعه است. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در ترسیم جایگاه ویژه نماز می‌فرمایند:

«در نماز جمعه، خطبه به این جهت قرار داده شده که چون نماز جمعه یک حضور همگانی است، خداوند چنین اراده کرده تا به حاکم مسلمانان امکان دهد که مردم را نصیحت کند و به اطاعت ترغیب نماید و از معصیت بترساند و آنان را بر آنچه مصلحت دین و دنیایشان است آگاه سازد و آنچه را در نقاط دیگر اتفاق می‌افتد و در سرنوشت آنان موثر است به اطلاع آنها برساند، همچنین دو خطبه قرار داده شده است تا در یکی حمد و ثنای خداوند انجام شود و در دیگری آنچه از فرمان و نهی خداوند که به صلاح جامعه است، اعلام شود.»



نماز عید

مامون از حضرت درخواست کرد که با مردم نماز عید بگذارد تا با ایراد سخنرانی وی، آرامشی به قلبشان فرو آید و با پی بردن به فضایل امام، اطمینان عمیقی نسبت به حکومت بیابند.

امام علیه السلام به مجرد دریافت این پیام، شخصی را نزد مامون روانه ساخت تا به او بگوید مگر یکی از شروط ما آن نبود که من دخالتی در امر حکومت نداشته باشم. بنابراین مرا از نماز معاف بدار. مامون پاسخ داد که من می‌خواهم تا در دل مردم و لشکریان، امر ولایت‌عهده‌ی رسوخ یابد تا احساس اطمینان کنند و بدانند خدا چگونه تو را بدان برتری بخشیده است.

امام رضا علیه السلام دوباره از مامون خواست تا او را از آن نماز معاف بدارد و در صورت اصرار، شرط کرد که من به نماز آن چنان خواهم رفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام با مردم به نماز می‌رفت.

مامون پاسخ داد که هرگونه می‌خواهی برو.

از سوی دیگر، مامون به فرماندهان و همه مردم دستور داد که قبل از طلوع آفتاب بر در منزل امام اجتماع کنند. از این رو، تمام کوچه‌ها و خیابان‌ها مملو از جمعیت شد. از خرد و کلان، از زن و مرد همه با اشتیاق گرد آمدند و همه فرماندهان نیز سوار بر مرکب‌های خویش در اطراف خانه‌ی امام به انتظار طلوع آفتاب ایستادند.

همین که آفتاب سر زد، امام علیه السلام از جا برخاست، خود را شست و شو داد و عمامه‌ای سفید بر سر نهاد. آن‌گاه با معطر



ساختن خویش با گام‌هایی استوار به راه افتاد. امام از کارکنان منزل خویش نیز خواسته بود که همین گونه به راه بیفتند. همه در حالی که امام را حلقه‌وار در برگرفته بودند، از منزل خارج شدند. امام سر به آسمان برداشت و با صدایی چنان نافذ چهار بار تکبیر گفت که گویی آسمان و در و دیوار شهر تکبیرش را پاسخ می‌گفتند. فرماندهان ارتش و مردم که منتظر ایستاده و خود را به بهترین وجهی آراسته بودند. امام با اطرافیانش پابرنه از منزل خارج شد، لحظه‌ای دم در توقف کرد و این کلمه‌ها را بر زبان جاری ساخت:

«الله اکبر، الله اکبر علی ماهدانا، الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمه الانعام، و الحمد لله علی ما اولینا».

امام این‌ها را با صدای بلند می‌خواند و مردم نیز هم صدا با او تکبیر می‌گفتند. شهر مرو، یک‌پارچه تکبیر شده بود و مردم تحت تاثیر آن شرایط به گریه افتاده، شهر را زیر پای خود به لرزه انداخته بودند.

چون فرماندهان ارتش و نظامیان با آن صحنه مواجه شدند همه بی‌اختیار از مرکب‌ها به زیر آمدند و کفش‌های خویش را هم از پایشان درآوردند.

امام به سوی مصلی نماز حرکت کرد ولی هر ده قدمی که به پیش می‌رفت، می‌ایستاد و چهار بار تکبیر می‌گفت. گویی که در دیوار شهر و آسمان همه پاسخش می‌گفتند.

گزارش این صحنه‌های مهیج به گوش مامون می‌رسید و وزیرش «فضل بن سهل» به او پند می‌داد که اگر امام به همین شیوه راه خود را تا جایگاه نماز ادامه دهد، مردم چنان شیفته‌اش



خواهند شد که دیگر ما تامین جانی نخواهیم داشت. بنابراین، بهتر است او را از نیمه راه برگردانیم.

مأمون نیز همین گونه با امام رفتار کرد. یعنی او را از رسیدن به جایگاه نماز بازداشت و پیش نماز همیشگی را مأمور گذاردن نماز عید کرد.

در آن روز وضع مردم بسیار آشفته شد و صفوفشان در نماز دیگر به نظم نپیوست.

در این جا ذکر دو نکته لازم است:

۱ - تأثیر عاطفی ماجرا و پایگاه مردمی امام

اکنون که دوازده قرن از آن ماجرا می‌گذرد، هنوز که این داستان را می‌خوانیم چنان دچار احساسات می‌شویم که گاهی وصف ناپذیر است. حال ببینید آنان که در آن روز خود شاهد ماجرا بودند چگونه تحت تأثیر قرار گرفتند.

دیگر نیاز به ذکر این نکته نیست که ماجرای نماز عید درست مانند ماجرای نیشابور حاکی از گسترش موقعیت امام در دل‌های مردم بود.

۲ - چرا مأمون خود را به مخاطره افکند؟

اگر هدف مأمون از آن اصراری که نسبت به رفتن امام به نماز می‌ورزید این بود که می‌خواست اهل خراسان و نظامیان را فریب دهد و اطمینان آنان را نسبت به حکومت خود جلب کند، بدیهی است که بازگرداندن امام از نماز پس از پدید آمدن آن شرایط هیجان انگیز و آن جمعیت سیل آسا، برای مأمون مخاطراتی دربرداشت. چه این که معنایش به خشم آوردن هزاران هزار مردمی بود که در اوج هیجان و احساسات قرار گرفته بودند.



بنابراین، اگر مامون از مجرد نماز گزاردن امام علی^{علیه السلام} بیم داشت، پس به چه دلیل آن همه اصرار کرده بود که نماز عید را حتماً او برگزار کند؟ و اگر نمی‌ترسید، پس چرا از طوفان احساساتی که در میان مردم برانگیخت، وحشت‌زده شد؟

در ظاهر، دلیل وحشت مامون چیزی بالاتر از همه این‌ها بود. او ناگهان متوجه شد که نکند وقتی امام بر منبر رود با توجه به آن آمادگی که در نهاد و احساس مردم ایجاد کرده بود، خطبه‌ای بخواند که مانند جریان نیشابور اعتقاد به خویشتن را از شروط یکتاپرستی معرفی کند. در آن روز امام درست در زی رسول خدا ^{صلی الله علیه و آله} و امیرالمؤمنین حضرت علی ^{علیه السلام} در برابر مردم ظاهر شده و به گونه‌ای مردم را تحت تأثیر قرار داده بود که به قول «فضل بن سهل» جان مامون و اطرافیانش را سخت به خطر می‌انداخت. آنان می‌ترسیدند که امام علی^{علیه السلام} در آن روز مرو را که پایتخت عباسیان بود، به مرکز ضد عباسی تبدیل کند. بنابراین، مامون ترجیح داد که امام را از نماز بازگرداند و تمام مخاطره‌های این کار را نیز بپذیرد. چه هر چه بود زیانش به مراتب برایش کمتر بود.



منابع:

- ۱ - قرآن کریم.
- ۲ - آملی، عبدالواحد، مترجم محمدعلی انصاری قمی، غررالحکم و دررالکلم، چ تهران.
- ۳ - خامنه ای، سیدعلی، از ژرفای نماز.
- ۴ - خمینی، سید روح الله، سرالصلواة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- ۵ - دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، مرکز نشر کتاب.
- ۶ - الامام الرضا علیه السلام، علی ابن موسی، فقه الرضا، مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام.
- ۷ - رضی، محمد ابن احمد (ذی المناقب) ترجمه فیض الاسلام، نهج البلاغه، تهران ۱۳۹۲ (هق)
- ۸ - سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- ۹ - شیبانی، ابی عبدالله، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۰ - صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، ثواب الأعمال، تهران ۱۵۴.
- ۱۱ - همان، کتاب الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳.
- ۱۲ - همان، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۳ - همان، من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالصعب.
- ۱۴ - طبرسی، فضل ابن حسن، مجمع البیان، کتابفروشی اسلامیه.



- ١٥ - عاملی، محمد ابن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار
احیاء التراث العربی، الطبقة الخامسة، ١٤٠٣ (هـق)
- ١٦ - عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا علیه السلام، مؤسسه طبع
و نشر آستان قدس رضوی، ١٤٠٦ (هـق)
- ١٧ - غزالی، ابی حامد محمد بن محمد، احیاء علوم الدین،
بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ١٨ - فیض کاشانی، محسن، المحجّة البيضاء، خ تهذیب
الإحیاء، قم، انتشارات اسلامی.
- ١٩ - قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.
- ٢٠ - همان، منتهی الآمال.
- ٢١ - کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، بیروت،
دارصعب.
- ٢٢ - ملکی تبریزی، میرزا جواد، ترجمه رضا رجب زاده، اسرار
الصلاة، تهران، انتشارات پیام آزادی.
- ٢٣ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء،
١٤٠٣ (هـق).
- ٢٤ - نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه
آل البيت لاحتیاء التراث، ١٤٠٨ (هـق).
- ٢٥ - نراقی، ملا احمد، معراج السعادة، تهران، انتشارات علمیه
اسلامیه.
- ٢٦ - نراقی، محمدمهدی، جامع السعادات، قم، انتشارات
دارالتفسیر.
- ٢٧ - هندی، علی ابن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال.



مجموعه کتاب های ره توشه:

آستان دوست

آیین محبت

باران فضیلت

برهان قاطع

پیروز حقیقی

جلوه وصال

حکایت آفتاب

خورشید شب

در دامان مهر

شرح بی نهایت

صحیفه ی صحت

نشانی بهشت